



قيام به خدمت

مؤسسۀ روحی



کتاب ۲

قيام به خدمت

مؤسسۀ روحی

مجموعه کتاب‌های روحی:

عنوان‌های کنونی مجموعه کتاب‌های مؤسسه روحی ذیلاً درج می‌گردد. این کتاب‌ها دوره‌های متسلسل اصلی را در تلاشی سیستماتیک به منظور افزایش توانمندی جوانان و بزرگسالان برای خدمت به جامعه ارائه می‌دهند. همچنین مؤسسه روحی دوره‌هایی را که از کتاب سوم منشعب می‌گردد به عنوان مجموعه‌ای برای تربیت معلم کلاس‌های کودکان ارائه می‌دهد که در ذیل به آنها نیز اشاره می‌گردد. باید توجه داشت که با کسب تجربه بیشتر در این زمینه، صورت ذیل نیز دستخوش تغییر خواهد گشت و همینکه مواد درسی فزاینده‌ای که در دست تهیه است به مرحله‌ای که بتوان آنها را در سطح وسیعی ارائه داد برسد عنوان‌های جدیدی نیز بر این صورت اضافه خواهد شد.

کتاب ۱	تفکر در باره روح انسان
کتاب ۲	قیام به خدمت
کتاب ۳	تدریس کلاس‌های کودکان، سال ۱
	تدریس کلاس‌های کودکان، سال ۲ (یک دوره فرعی از کتاب ۳، نسخه پیش از چاپ)
	تدریس کلاس‌های کودکان، سال ۳ (یک دوره فرعی از کتاب ۳، نسخه پیش از چاپ)
کتاب ۴	دو مظهر ظهور الهی
کتاب ۵	توانمندی نوجوانان (نسخه پیش از چاپ)
کتاب ۶	خدمت در میدان تبلیغ
کتاب ۷	همراهی در مسیر خدمت
کتاب ۸	عهد و میثاق حضرت بهاء‌الله (نسخه پیش از چاپ)

Copyright ©2000 by the Ruhi Foundation, Colombia

All rights reserved. Edition 1 published 2000

Edition 1.1.2.PE December 2012

ISBN 978-958-57776-0-6

Originally published in Spanish as *Levantémonos a Servir*

Copyright ©1987 by the Ruhi Foundation, Colombia

ISBN 978-1-890101-42-8

Ruhi Institute

Apartado Postal: 402032

Cali, Colombia

Tel: 57 2 828-2599

Email: instituto@ruhi.org

Web site: www.ruhi.org

حق چاپ © ۲۰۰۰ بنیاد روحی، کلمبیا

تمام حقوق محفوظ است. نسخه ۱ چاپ سپتامبر ۲۰۰۰

نسخه ۱.۱.۲.PE دسامبر ۲۰۱۲

شماره استاندارد بین المللی کتاب (ISBN): ۹۷۸-۹۵۸-۵۷۷۷۶-۰۰-۶

در اصل به زبان اسپانیایی تحت عنوان *Levantémonos a Servir* منتشر شد.

حق چاپ © ۱۹۸۷ توسط بنیاد روحی، کلمبیا

شماره استاندارد بین المللی کتاب (ISBN): ۹۷۸-۱-۸۹۰۱۰۱-۴۲-۸

مؤسسه روحی

کالی، کلمبیا

تلفن: ۵۷۲۸۲۸-۲۵۹۹

ایمیل: instituto@ruhi.org

سایت اینترنت: www.ruhi.org

فهرست مطالب

همکاران گرامی	۱
شوق تبلیغ	۵
مطالبی برای تزئید معلومات	۲۳
معرفی عقاید بهائی	۶۱

همکاران گرامی

هدف از مطالب واحدهای مؤسسه روحی رسیدن به سه مقصد کلی است: ایجاد بینش روحانی، کسب معلومات در باره امر مبارک، و کمک به پرورش مهارت و یا فنّ خاصی به منظور قیام به خدمت. هریک از کتاب‌های روحی ممکن است تأکید بیشتری بر یکی از مقاصد فوق نماید، کتاب ۱ روحی به دانشجویان کمک می‌کند تا بینش آنان در برخی مطالب روحانی افزایش یابد. کتاب ۲ بیشتر مهارت‌ها و قابلیت قیام به خدمت خاصی را در نظر گرفته است.

هدف اصلی همه کتاب‌های مؤسسه روحی، صرفنظر از اینکه بعضی از آنها تأکید بیشتری در یکی از مقاصد می‌نماید، "حرکت در یک مسیر خدمت" است. آنانکه در برنامه‌های مؤسسه وارد می‌شوند در راه پیشرفت روحانی شخصی خود و خدمت به دیگران گام بر می‌دارند. دوره‌های مختلف مؤسسه به دانشجویان مفاهیم مهم را ارائه می‌دهد و کمک می‌نماید تا به ترقی افکار و صفات روحانی خود توجه نمایند و آنان را با مهارت‌ها و فنون لازم جهت انتخاب مسیر خدمت، مجهز می‌سازد. این راه با خدمات بسیار ساده شروع می‌شود و سپس با ازدیاد استعدادها شرکت‌کنندگان، نوع خدمات پیچیده‌تر و دشوارتر می‌گردد.

اولین نوع خدمت در واحد دوم این کتاب تحت عنوان "مطالبی برای تزئیدمعلومات" معرفی می‌شود که به شرکت‌کنندگان کمک می‌کند تا توانائی خود را در دیدار منظم از خانه‌های تازه تصدیقان جدید توسعه دهند و با آنان مطالب مختلف امری مانند عهد و میثاق، حیات حضرت بهاءالله، محبت و اتحاد در جامعه، جلسات بهائی و ضیافت نوزده روزه، اهمیت پرداخت تبرعات و تبلیغ امرالله را در میان بگذارند. در انتهای هر مبحث سؤالات و تمرین‌هایی تنظیم شده است. بعضی از این سؤالات برای افزایش درک شرکت‌کنندگان راجع به خود مبحث می‌باشد و بعضی دیگر از سؤالات فن و مهارت ارائه مطالب به خانواده‌های تازه تصدیق را یاد می‌دهد و برخی دیگر از تمرین‌ها مربوط به صفات و کمالات روحانی است که لازمه قیام به این خدمت است.

برای بیشتر شرکت‌کنندگان، این واحد اولین فرصت جهت مطالعه عمیق مطالب مورد بحث می‌باشد. باید متذکر بود که فراگیری مطالب در حالیکه با دیگران در میان گذاشته می‌شود انجام می‌پذیرد. امید است که این روش آغاز حیاتی باشد که پیشرفت فردی و خدمت به دیگران مکمل یکدیگر واقع شوند و به عنوان دو هدف مختلف و یا گاهی متضاد تلقی نگردند.

مانند کلیه دوره‌های مؤسسه روحی، اگر تعداد شرکت‌کنندگان در یک کلاس زیاد است مرتبی باید آنان را به گروه‌های کوچک تقسیم نماید. واحدهائی که تا بحال شرکت‌کنندگان مطالعه کرده‌اند به طور کلی حاوی بیانات مبارکه کوتاه و بدنبال آن سؤالات و تمرین‌هایی بود که به دانشجویان کمک می‌نمود در بیانات مبارکه تعمق نمایند. در این واحد مطالب مورد نظر نسبتاً طولانی‌تر می‌باشد و بیانات مبارکه ضمن آن گنجانده شده است. بعد از خواندن یکبار مطلب، ممکن است مقدار کمی از آن در خاطر بعضی از شرکت‌کنندگان مانده باشد، بنابراین لازم است که دوباره مطلب را چندین بار قسمت به قسمت مطالعه کنند و از یکدیگر سؤال کرده به زبان ساده تکرار کنند. وقتی که

این کار انجام شد شرکت کنندگان به جواب سؤالات می‌پردازند تا درکشان از بیانات مبارکه بیشتر شود و فکر کنند که موضوع را به صورت نوعی خدمت به دیگران ارائه دهند.

البته به منظور پرورش استعدادها و مهارت‌های لازم، کافی نیست که شرکت‌کنندگان فقط مطالب مورد بحث در این واحد را مطالعه کنند و سؤالات آنرا جواب دهند، بلکه باید فرصت‌هایی را برای آنان به وجود آورد تا بتوانند مهارت‌های فراگرفته را در عمل به کار گیرند. هدف مطلوب آن است که شرکت‌کنندگان به طور فردی و یا گروهی با دوستانی که تجربیات بیشتری دارند همراهی نمایند و از مؤمنین جدید بدین منظور دیدن نمایند. اگر این میسر نگردید می‌توانند نمایشنامه بازی کنند که یک نفرشان شخص مبلّغ باشد و بقیه نقش خانواده مؤمنین جدید را ایفاء کنند.

واحد سوم این کتاب "معرفی عقاید بهائی" راجع به مهارت‌هایی در زمینه تبلیغ امرالله است. هرچه تجربیات فرد در تبلیغ زیادتر شود فنون و مهارت‌های جدیدی را کسب می‌نماید. در مرحله اول و به طور ساده این واحد به شرکت‌کنندگان کمک می‌نماید تا افکار و مبادی بهائی را به صورت بحث و گفتگو ارائه دهند. بدین منظور قسمت‌هایی کوتاه از مطالب مختلفه ارائه گردیده است که هرچند عیناً بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء نمی‌باشد ولی بر اساس خطابات و الواح آن حضرت است تهیه شده و حاوی بسیاری کلمات و جملاتی است که ایشان استفاده نموده‌اند. مانند واحد قبل، شرکت‌کنندگان باید به دقت متون را بخوانند و در گروه‌های کوچک مورد بررسی و مطالعه قرار دهند تا بخوبی با افکار ارائه شده آشنا شوند و بتوانند به سهولت با کلمات خود مطالب را بازگو نمایند. تمرین‌های بعد از هر مطلب طوری تنظیم شده است تا به شرکت‌کنندگان کمک نماید که بیاندیشند چگونه مطالب فراگرفته را در حین بحث اظهار کنند و چطور به سؤالات دیگران جواب دهند. امید است شرکت‌کنندگان با مطالعه این واحد طرز فکر خود را با تعالیم مبارکه تطبیق دهند. هدف این واحد آن است که به شرکت‌کنندگان کمک کند تا عادت نمایند همواره به روش حضرت عبدالبهاء به عنوان نمونه‌ای در تبلیغ امرالله توجه نمایند. همچنین در واحد دوم نیز بکار بستن فنون و مهارت‌های فراگرفته خود از مراحل مهم فراگیری شرکت‌کنندگان می‌باشد.

در ابتداء وقتی مؤسسه روحی مطالب واحد دوم این کتاب را ارائه داد، ملاحظه شد که بعضی از شرکت‌کنندگان به بازدید خانواده‌ها و تزئید معلومات آنها در مواضع مختلفه امری مستمراً ادامه داده ولی بعضی خیلی زود ذوق و شوق این کار را از دست می‌دادند. جلسات مشورتی متعددی تشکیل گردید تا علت این امر معلوم شود و در نتیجه معلوم گردید که فرق اساسی درجه آگاهی یاران از منبع شوق و ذوقی است که در اثر تبلیغ حاصل می‌شود. آنهاییکه به خوشی موقت قانع شده و یا منتظر تشویق و قدردانی از خدمات خود بودند معمولاً اقداماتشان دوامی نداشت و دوستانی که به ملاقات خانواده‌های تازه تصدیق ادامه می‌دادند ذوق و شوق خود را در نفس عمل تبلیغ می‌یافتند. واحد اول این کتاب تحت عنوان "شوق تبلیغ" جوانب مختلف این امر را توضیح می‌دهد. ترتیب و تسلسل افکار در این واحد بدین نحو می‌باشد.

۱. در حین تبلیغ از موهبت خاصی برخوردار می‌گردیم و آن موهبت ابلاغ کلمه الهیه نازل از قلم حضرت بهاءالله به دیگران است. این فضل و موهبت ما را سرشار از سرور روحانی می‌سازد.
۲. آثار حضرت بهاءالله را می‌توان به اقیانوسی تشبیه نمود که در قعر آن لثالی هدایت ربانی نهفته است و باید نهایت سعی و کوشش را بنمائیم تا به ساحل این اقیانوس رسیده از مواهب آن استفاده نمائیم.
۳. بحر زخار آثار حضرت بهاءالله به نحوی عجیب به ما نزدیک است و اگر بخواهیم می‌توانیم در یک لحظه به ساحل آن واصل گردیم.
۴. چون موهبت شناسائی حضرت بهاءالله شامل گردد مایل خواهیم بود لثالی هدایت ربانی موجود در آثار حضرتش را با دیگران در میان بگذاریم. بدین منظور از قوه کلمات آن حضرت که مقلب قلوب است استفاده می‌نمائیم.
۵. از جمیع اقدامات ما در زندگی روزانه قسمتی که مربوط به ابلاغ کلمه الهی می‌گردد دارای منزلت خاصی است.
۶. شوقی که قلب ما را در حین تبلیغ به اهتزاز می‌آورد از نفس قیام به تبلیغ یعنی ابلاغ پیام حضرت بهاءالله به دیگران سرچشمه می‌گیرد. توجه به دیگر امور مانند تشویق و پاداش این شوق و مسرت را از بین می‌برد. انقطاع لازمه تبلیغ پرشوق و شور است.
۷. باید آماده هرگونه سعی و کوشش و فداکاری باشیم. باید متذکر شویم که بدین وسیله به سعادت روحانی رسیده در ترقی روحانی خود کمک می‌نمائیم. فداکاری وقتی است که از هرچه پست و ناچیز است بگذریم و به امور عالیه تمسک جوئیم. هرچند این جریان دردناک باشد ولی در حقیقت موجب فرح و سرور خواهد بود.



شوق تبليغ

هدف

درک آنکه شوق تبليغ در نفس ابلاغ
كلمة الله است، صرف نظر از نتايج فوري آن.

بخش اول

حال که تعدادی از دوره های اصلی مؤسسه روحی را به پایان رسانیده و در باره برخی مبادی اساسی روحانی بینش بیشتری یافته اید، وقت آن است که به طور منظم در باره خدمات آینده خود به امرالله تأمل و تفکر نمائید. در ضمن اینکه احتیاجات امرالله را بررسی نموده سعی می نمائید به نحوی جوابگوی آنها باشید، خوب است تصور نمائید که در سبیل خدمت با فرح و سرور طی طریق می نمائید. با پیش رفتن در این راه از تأییدات لانهای الهیه نصیب می برید و عنایات و الطاف حق همراه اقدامات و مجهودات شما می گردد. البته در ابتدا خدمات و مجهودات شما ساده تر هستند و با سهولت بیشتری تحقق می یابند، اما با ازدیاد معارف و معلومات و پرورش مهارت ها می توانید در میادین خدمت عظیم تری وارد شوید. البته قدم برداشتن در سبیل خدمت امتحانات بیشماری در بر خواهد داشت. اما اگر فراموش نکنید که خداوند را بخاطر فرصت هایی که برای خدمت به شما داده شکر نمائید و هرگز از خضوع و خضوع به درگاه الهی و بندگان حق خودداری ننمائید، نتیجه نهائی هر یک از مجهودات شما، خواه کوچک و خواه بزرگ، موفقیت و پیروزی برای امرالله در بر خواهد داشت.

در حالیکه مسیر خدمت را می پیمائید، بسیاری از فعالیت های شما در میدان تبلیغ امرالله خواهد بود. نفوس جدیدی در ظل امرالله وارد خواهید نمود. کلاس هایی برای کودکان منعقد خواهید ساخت. در تزئید معلومات یاران کمک نموده در تحکیم جوامع محلی مشارکت خواهید نمود. در جمیع این مجهودات از موهبت خاصی برخوردار خواهید شد و آن موهبت ابلاغ کلمه الله نازله از قلم حضرت بهاءالله به دیگران می باشد. این فضل و موهبت شما را سرشار از مسرت عمیق روحانی می سازد.

تمرین:

۱. آیا مقصود از تبلیغ امرالله فقط تسجیل مؤمنین جدید است؟

۲. در لیست ذیل اقداماتی را که جزء فعالیت های تبلیغی محسوب می گردد مشخص نمائید!

_____ بشارت ظهور حضرت بهاءالله را با یکی از دوستان در میان گذاشتن.

_____ کمک به تزئید معلومات یکی از مصدقین جدید.

_____ انعقاد بیوت تبلیغی در منزل خود.

_____ مشارکت در مشروعات ترویج و تحکیم.

_____ فتح مناطق جدید.

_____ تشکیل کلاس های امری برای گروه کوچکی از کودکان.

_____ همکاری و مساعدت در تشکیل یک گروه از جوانان بهائی.

_____ کمک به یکی از جوامع در انعقاد جلسه ضیافت ۱۹ روزه.

_____ ایراد یک خطابه در مورد امرالله در یک مدرسه یا مؤسسه عمومی.

۳. چه فضل و موهبت خاصی در هنگام تبلیغ شامل می‌گردد؟

۴. یکی از منابع فرح و انبساط عمیق روحانی برای نفوسی که تبلیغ می‌نمایند چیست؟

۵. در گروه خود در مورد اینکه چه انگیزه‌هایی یک فرد بهائی را به تبلیغ وامی‌دارد مشورت نمائید؟

۶. نصّ ذیل را حفظ نمائید:

"ان یا ایها المسافر الی الله خذ نصیبک من هذا البحر و لا تحرم نفسک عما قدّر فیہ و کن من الفائزین و لو یرزقن کل من فی السموات و الارض بقطرة منه لیغنین فی انفسهم بغناء الله المقتدر العظیم الحکیم . خذ بید الانقطاع غرفة من هذا البحر الحیوان ثم رشح منها علی الکائنات لیطهرهم عن حدودات البشر و یقرّبهم بمنظر الله الاکبر هذا المقرّ المقدّس المنیر" ^۱ (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای زائر الی الله نصیبت را از این دریا بگیر و خودت را از آنچه خداوند برایت مقرر کرده محروم مساز. اگر همه آنچه در زمین و آسمان است به قطره‌ای از آن مرزوق شوند به غنای خداوندی غنی خواهند شد، تو نیز با دست انقطاع کفی از آن بردار و به آنچه هست بریز تا آنان را از حدودات بشریه پاک سازد و به منظر اکبر، این مقر مقدس رهنمون شود.)

بخش دوم

ما می‌دانیم که ابلاغ کلمه الله نازله از قلم حضرت بهاء الله به دیگران مصدر و منبع شادی و فرح بیکران در جمیع فعالیت‌های تبلیغی ما است. پس هر یک از ما باید در عظمت ظهور حضرت بهاء الله تفکر و تأمل نمائیم و سعی کنیم جواهر نهفته در آن را کشف نمائیم. اجازه دهید با مطالعه این نص مبارک حضرت بهاء الله شروع نمائیم.

"ای بندگان مثل ظهور قدس احدیتم مثل بحر یست که در قعر و عمق آن لثالی لطیفه منیره ازید از احصاء مستور باشد و هر طالبی البته باید کمر جهد و طلب بسته بشاطی آن بحر درآید تا قسمت مقدره در الواح محتومه مکنونه را علی قدر طلبه و جهده اخذ نماید." ^۲

تمرین:

۱. ظهور حضرت بهاء الله را می‌توانیم با چه چیزی مقایسه نمائیم؟

۲. تعدادی از لثالی لطیفه منیره مکنونه در این اقیانوس اعظم را نام ببرید:

لثالی _____
لثالی _____
لثالی _____
لثالی _____

۳. جملات ذیل را کامل نمائید.

الف) وظیفه ما است که _____ بسته _____ بحر زخار ظهور حضرت بهاء الله در آئیم.
ب) ما باید جهد نمائیم تا به شاطیء بحر اعظم واصل گردیم تا شاید قسمت _____ را
علی قدر طلبه _____.

۴. معنی "کمر جهد و طلب" بستن چیست؟

۵. چرا باید طالب سعی و مجاهدت نماید؟

۶. هدف هر "طالب" باید چه باشد؟

۷. معنی "علی قدر طلبه و جهده" چیست؟

۸. حضرت بهاء الله در بیان مبارک می فرمایند که هر نفسی به نسبت جهد خود از این بحر زخار نصیب می برد.

الف) مثال هائی از این سعی و مجاهدت را عنوان نمائید.

ب) نمونه هائی از این بهره و نصیب را بیان نمائید.

بخش سوم

با علم به اینکه امر حضرت بهاء الله مانند بحر اعظمی است که در قعر و عمق آن جواهر لطیفه مکنون و مستور است ما باید نهایت سعی خود را مبذول نمائیم تا از این بحر اعظم نصیب بریم و دیگران را نیز به شاطی قریب رسانیم. اما فاصله ما به شاطی بحر اعظم چقدر است؟ حضرت بهاء الله می فرماید:

"ای بندگان تالله الحق آن بحر اعظم لجی و موج بسی نزدیک و قریب است بلکه اقرب از حبل ورید به آنی به آن فیض صمدانی و فضل سبحانی و جود رحمانی و کرم عزابھائی واصل شوید و فائز گردید."^۳

۱. جملات ذیل را کامل نمائید.

الف) بحر اعظم ظهور حضرت بهاء الله به ما بسی _____ است.

ب) بحر اعظم الهی به ما اقرب از _____ است.

ج) به _____ ما می توانیم به بحر اعظمش _____ و _____ گردیم.

د) به آنی ما می توانیم به آن فیض صمدانی و فضل سبحانی و _____ واصل شویم و فائز گردیم.

۲. بحر اعظم "لجی و موج" اشاره به چیست؟

۳. بحر اعظم چقدر به ما نزدیک است؟

۴. به چه سرعت می توانیم به این بحر واصل شویم؟

بخش چهارم

پس از شناسائی عظمت حضرت بهاء الله و آگاهی از قریب بودن به بحر اعظم که در قعر و عمق آن لثالی لطیفه نهفته است، با روحی سرشار از ایمان این جواهر لطیفه را با دیگران در میان می گذاریم، جواهری که مستمراً در حین مطالعه و تأمل و دعا و مناجات کشف می نمائیم. بدین نحو از قدرت کلمه الله استفاده می کنیم، پس بسیار مهم است که عمیقاً در قوه کلمه الهیه و اثرات آن بر قلوب بشر تفکر و تأمل نمائیم. این نص حضرت بهاء الله در درک و شناسائی این قوه به ما کمک می کند:

"کلمه الهی بمنابہ نهال است مقر و مستقرش افندۀ عباد باید آن را بکوشر حکمت و بیان تربیت نمائید تا

اصلش ثابت گردد و فرعش از افلاک بگذرد."^۴

تمرین:

۱. کلمه الهیه بمتابه چیست؟

۲. ریشه کلمه الهیه در کجا مقرر دارد؟

۳. چگونه می‌توانیم رشد این نهال را سرعت بخشیم؟

۴. بعضی از صفاتی را که بعد از انبات کلمه الهی در قلوبمان از ما ظاهر می‌گردد ذکر کنید؟

۵. مقصود از عبارت "تا فرعش از افلاک بگذرد" چیست؟

۶. در چند جمله شرح دهید که چرا انتشار کلمه الهی مهم است؟

بخش پنجم

حال به فعالیت‌های متعددی که در زندگی روزمره ما را مشغول می‌سازند فکر کنید. ما از جسم خود مراقبت می‌کنیم. کارکرده امرارمعاش می‌نمائیم. در برنامه‌های ورزشی و تفریحی شرکت می‌کنیم. درس می‌خوانیم تا علوم جدید را کسب نموده و قدرت فکری خود را توسعه بخشیم. مهارت‌هایی فرا می‌گیریم تا زندگی خود را بهتر سازیم. فعالیت‌های زیادی از این قبیل که برای ترقی فکری و مادی ما مهم است قسمت اعظم وقت ما را اشغال می‌کند. اما چگونه می‌توان وقتی را که صرف این فعالیت‌ها می‌کنیم با دقایقی که سرشار از مسائل روحانی مانند دعا و مناجات، تزئید معلومات و ابلاغ کلمه الله است مقایسه نمود؟ آیا ساعاتی را که به تنهایی یا با دوستان صرف مطالعه آثار مبارکه

می‌نمائیم و یا هنگامی که کلاس‌هایی برای تعلیم کودکان ترتیب داده تا ریشه نهال کلمات الهی در قلوبشان انبات گردد و یا لحظاتی که بفضل پروردگار نفوسی را بشاطی بحر اعظم هدایت می‌نمائیم و کمک می‌کنیم تا جواهر لطیفه مکنونه در بحر زخار آثار را کشف نمایند، آیا این لحظات بی‌نهایت گرانبها نمی‌باشند؟ آیا سروری اعظم از دریافت بهره و نصیب از فضل و الطاف الهی وجود دارد؟ باید همیشه به خاطر آریم چگونه حضرت عبدالبهاء حیات و نیروی خود را صرف تبلیغ امرالله نمودند و آرزو داشتند امر پدر بزرگوارشان را به اطراف و اکناف عالم منتشر نمایند.

"ایکاش از برای من میسر می‌شد که پای پیاده ولو بکمال فقر به آن صفحات مسافت می‌نمودم و نعره‌زنان در شهرها و دهات و کوه و بیابان و دریا یا بهاءالابهی می‌گفتم و ترویج تعالیم الهی می‌نمودم ولی حال از برای من میسر نه لهذا در حسرتی عظیم هستم بلکه انشاءالله شماها موفق گردید."^۵

تمرین:

۱. لیستی از فعالیت‌هایی را که در زندگی باید انجام دهید تهیه کنید. چه مایل به انجامش باشید چه نه.

۲. لیستی از فعالیت‌هایی که مایلید انجام دهید به ترتیب فرح و سروری که هر کدام از آنها در قلب شما به وجود می‌آورد تهیه کنید.

۳. بدون شک اقداماتی که دوست دارید انجام دهید هم برای خودتان و هم برای دیگران مفید هستند. آیا سروری که از این فعالیت‌ها در خود احساس می‌نمائید بدلیل نتایج آن است یا نفس عمل به آن شما را مسرور می‌سازد؟

بخش ششم

به این نتیجه رسیدیم که از تمام کارهایی که در حیات خود انجام می‌دهیم، لحظاتی که به نشر نفحات الله می‌گذرد شامل تأییدات خاص الهی است. اما باید همیشه به خاطر آوریم که سروری که در هنگام نشر نفحات الله احساس می‌شود از نفس تبلیغ و مشارکت در بحث و تأمل در کلمات الهی حاصل می‌گردد. اگر این را فراموش کنیم افکار دیگر نورشادی را در قلب ما تضعیف بلکه خاموش می‌نمایند. چنانچه اهمیت زیادی به نحوه استقبال نفوس دهیم و یا تحت تأثیر انتقادات سایرین قرار گیریم و یا منتظر تشویق و تحسین و تمجید دیگران باشیم شوق و ذوق تبلیغ را از دست می‌دهیم. در این حین نشر نفحات الله باید الهام بخش ما گردد نه آرزوی موفقیت و یا حصول منفعت، یا معرفت و شناسائی و تحسین دیگران. انقطاع از جمیع این شئون لازمه تبلیغ موفقیت‌آمیز است. مطالعه بیانات مبارکه ذیل به شما کمک می‌کند تا در باره این موضوع با اهمیت، تفکر و تأمل نمائید.

"ای صاحب دو چشم چشمی بریند و چشمی برگشا بریند یعنی از عالم و عالمیان برگشا یعنی به جمال قدس جانان."^۶

"ای دوستان بجمال فانی از جمال باقی مگذرید و بخاکدان ترابی دل مبندید"^۷

"یا ابن البیان وجه بوجهی و اعرض عن غیری لأنّ سلطانی باق لایزول ابداً و ملکی دائم لایحول ابداً و ان تطلب سوائی لن تجد لو تفحص فی الوجود سرمداً ازلاً."^۸ (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای پسر بیان، به من روی کن و از غیر من روی بگردان. زیرا سلطنت من پایدار است و هرگز پایان نگیرد و ملک من جاودانی است، تغییر نپذیرد. اگر جز مرا خواهی هرگز نیابی، گرچه در عالم وجود تا به ابد جستجو نمائی.)

"ای بیگانه با یگانه شمع دلت برافروخته دست قدرت من است آنرا ببادهای مخالف نفس و هوی خاموش مکن و طبیب جمیع علتهای تو ذکر من است فراموشش منما حبّ مرا سرمایه خود کن و چون بصر و جان عزیزش دار"^۹

"الانقطاع شمس اذا اشرفت من افق سماء نفس تنخمد فیها نارالحرص و الهوی کذلک یخبرکم مالک الوری ان انتم من العارفين ان اللّٰی فتح بصره بنور العرفان ینقطع عن الامکان و ما فیہ من الاکوان... طوبی لمن تنور بانوار الانقطاع انه من اهل سفینه الحمراء."^{۱۰} (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: انقطاع آفتابی است که چون از افق آسمان نفس بدرخشد آتش حرص و هوس را بیفرد. خداوند چنین شما را اخبار می‌کند اگر از عارفانی باشید که از امکان و آنچه در اوست منقطع گردید ... خوشا به حال آن کسی که به نور وارستگی روشن گردد زیرا او از اهل سفینه حمرا (امربهای) شمرده می‌شود.)

تمرین:

۱. آیا معنی انقطاع از این دنیا یعنی اینکه باید مثل درویش زندگی کنیم؟

۲. آیا می توان در حین تملک اشیاء منقطع نیز بود؟

۳. اگر شخصی عملاً همه وقتش را به کار خود اختصاص دهد منقطع از این عالم است؟

۴. اگر شخصی به حدی کار کند که احتیاجات یومیۀ خود را فراهم آورد و بقیۀ اوقات خود را به بیکاری بگذراند منقطع از این عالم است؟

۵. به غیر از امور مادی، می توانیم به بسیاری مسائل دیگر دلبستگی داشته باشیم؟ موارد ذیل را بخوانید و بگوئید در هر کدام از آنان دلبستگی شخص به چیست؟
الف) شخصی که احساس ناراحتی می کند هنگامی که خدمتی به امرالله نموده و هیچکس نمی داند؟

- ب) شخصی که دلسرد و افسرده می شود وقتی نفوس پیام الهی را که به آنها ابلاغ می کند قبول نمی کنند؟

- ج) شخصی که فقط به قصبات نزدیک برای تبلیغ می رود و آن هم آگریکی از دوستان او را با ماشین ببرد؟

- د) شخصی که اجازه نمی دهد مردم بفهمند بهائی است اگر احساس نماید که با او مخالفت خواهند کرد؟

- ه) شخصی که همیشه پول خود را صرف گردش و تفریح نموده اما برای رفتن به کنفرانس های امری پول ندارد؟

۶. ما می دانیم که نباید در جستجوی تحسین و تمجید دیگران برای خدمات خود به امرالله باشیم. اما مهم است که تجربیات تبلیغی خود را با دیگران در میان گذاریم ولی باید مواظب باشیم که در مورد موفقیت های خود مغرور نشویم و فخر نفروشیم. ذیلاً جملاتی را که ممکن است شخصی بعد از شرکت در یک پروژه تبلیغی ابراز نماید نقل می نمایم. مطالبی را که ممکن است شخصاً اظهار کنید بدون اینکه احساس نمائید از حد فروتنی تجاوز نموده اید علامت گذارید:
_____ من آنقدر در پروژه های تبلیغی تجربه دارم که برایم بسیار آسان است روزانه ۱۵ الی ۲۰ مؤمن جدید را وارد امرالله نمایم.

- _____ امروز من خانمی را ملاقات نمودم که آنچنان بصیرت روحانیش قوی بود که بعد از کمی توضیحات راجع به دیانت بهائی امرالله را قبول نمود. بیشتر وقتی که من با وی صرف نمودم صرف تزئید معلوماتش شد تا اینکه بخواهم او را قانع نمایم که امرالله را قبول کند.
- _____ سارا حقیقتاً مبلغ بسیار خوبی شده است. واقعاً که من خوب امرالله را به او یاد دادم.
- _____ می دانستم که اگر با این گروه تبلیغی همراه نمی شدم این همه مؤمنین جدید نداشتند، بنابراین یکروز تعطیلی گرفته و در این برنامه تبلیغی شرکت نمودم.
- _____ قلباً بسیار مسرور شدم وقتی دیدم که ماریو یکی از مؤمنین جدید را که هفته پیش تسجیل نمودیم خانواده اش را تبلیغ می کند.
- _____ بالاخره یاد گرفتم که چگونه امرالله را ابلاغ نمایم تا مردم نتوانند "نه" گویند.
- _____ هروقت در یک پروژه تبلیغی شرکت می نمایم حقیقتاً از قدرت تقلیب کننده کلمه الله مات و مبهوت می گردم.
- _____ هنوز تحت تأثیر اتفاقی هستم که هفته پیش حین تبلیغ یک زوج بزرگسال پیش آمد، شوهر اظهار کرد که چند روز پیش از آمدن ما خواب دیده بود که یک نفر پیام خدا را به آنها می رساند.
7. انقطاع از ماسوی الله آنچنان برای مبلغ امر مهم است که پیشنهاد می گردد شما جمیع نصوص در این بخش را حفظ نمائید.

بخش هفتم

حالت و کیفیت دیگری که در هنگام خدمت و تبلیغ قلب ما را مسرور می سازد تمایل ما به سعی و کوشش و فداکاری است. کلمه فداکاری را مستمراً و مرتباً در زندگی روزانه خود استفاده می نمائیم. اگر یکی از دوستان خوبان در هنگام سحر عازم مسافرت باشد، ما صبح زود برمی خیزیم که قبل از سفر با او باشیم و می گوئیم که ساعاتی چند از خواب خود را برای دوست خود فدا نموده ایم. اگر مجبور باشیم مسافت زیادی را طی کنیم تا به مدرسه برسیم، می گوئیم فداکاری کرده ایم و ساعاتی چند از وقت خود را صرف پیاده روی به مدرسه نموده ایم، همچنین می توانیم تقدیم کردن پولی که معمولاً صرف خانواده خود می نمائیم در راه امر مهمی را فداکاری به حساب آوریم.

خدمت امرالله نیز لازمه اش فداکاری است. باید از فعالیت های دیگر بزنیم تا به اقدامات امری برسیم. باید سختی و ناراحتی، تقدیم کردن کمک های مادی و حتی صرف نظر نمودن از نقشه ها و برنامه ها و آرزوهایمان را قبول نمائیم. ولی باید بدانیم که بدین وسیله از امور دنیوی گذشته و به سرور روحانی و ترقی معنوی خود کمک نموده ایم. خدا نکند در هنگام خدمت احساس کنیم که به حق لطف و نیکی می کنیم. موقعیت های خدمتی که برای ما به وجود می آید فضل الهی است که شامل حال می گردد. باید در میدان خدمت خاضعانه شکر و سپاس به درگاه الهی را بجا آریم. حضرت بهاء الله می فرمایند:

"همتی باید تا در طلبش کوشیم و جهدی باید تا از شهید وصلش نوشیم اگر از این جام نوش کنیم عالمی فراموش کنیم."^{۱۱}

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"...پس آرام نگیرید راحت طلبید به لذائد این جهان فانی آلوده مشوید. از هر قیدی آزاد گردید. به جان و دل بکوشید که در ملکوت الهی تمکن تام یابید کنز آسمانی بدست آرید. روز به روز روشنتر شوید و در درگاه احدیت مقرب تر گردید."^{۱۲}

باید همیشه متذکر باشیم که مفهوم واقعی فداکاری ترک امور کم اهمیت تر به خاطر امور با اهمیت تر می باشد. بنابراین هر چند فداکاری با درد و الم همراه است ولی در حقیقت فرح و سرور در بر دارد. حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"انسان تا بمقام فدا قدم نهد از هر موهبتی محروم گردد. و مقام فدا مقام فنا و نیستی است تا هستی الهی جلوه نماید و مشهد فدا میدان انقطاع است تا آیات بقا ترتیل گردد."^{۱۳}

تمرین:

۱. یک پسر جوان جیبش مملو از سنگ است. به شخصی برخورد می کند که به او یک مشت جواهر تقدیم می کند. او باید سنگ ها را دور ریزد تا جواهرات را دریافت کند. چه چیزی را فدا نموده است؟ _____

۲. کشاورزی باغی از درختان کهنه دارد که دیگر ثمر نمی دهند، باید درخت های کهنه را قطع نماید تا به جای آنها درختان جدید بکارد. او چه چیزی را فدا می کند؟ _____

۳. دانه در هنگام روئیدن و جوانه زدن قبول می نماید که شکافته شود. چرا خود را فدا می کند؟ _____

۴. ذیلاً عباراتی است که ممکن است شخص به فکرش خطور کند یا با خود بگوید. بعد از مطالعه هر دو جمله بگوئید کدامیک را بیشتر دوست دارید.

_____ من تمام روز خود را فدا کردم تا به تبلیغ بروم.
_____ موهبت و سرور تبلیغ تمام روز شامل حال من شد.

- ___ من سه ساعت درس خواندن خود را فدا می‌نمایم تا به جلسه ضیافت نوزده روزه بروم.
- ___ امروز من کمی دیرتر درس می‌خوانم زیرا به ضیافت نوزده روزه می‌روم.
- ___ من فداکاری نموده بجای خرید یک جفت کفش اضافی مبلغ را به صندوق می‌پردازم.
- ___ من مبلغی را که برای خرید یک جفت کفش اضافی پس انداز کرده‌ام به صندوق تقدیم می‌کنم. و البته به هیچکس ذکر آن را نمی‌نمایم.
- ___ امروز من آنچنان مشغول خدمات امری بودم که وقت ناهار خود را نیز فدا نمودم هرچند که خیلی گرسنه بودم و به یک قطعه نان قناعت کردم.
- ___ آنچنان به خدمات امری مشغول بودم که با وجود گرسنگی یک قطعه نان برایم کافی بود.
۵. برای رسیدن به هدف سعی و کوشش لازم است. ذیلاً لیست تعدادی از اهداف جامعه بھائی ذکر می‌گردد. زیر هر هدف، اقدامات متعددی که نمایانگر مراتب مختلف سعی و کوشش است درج گردیده‌است. برای هر هدف، اقدام مناسبی را که نشان دهنده سعی و کوشش لازم است علامت گذارید.
- تربیت روحانی کودکان:
- ___ انعقاد کنفرانس سالیانه کودکان.
- ___ جمع کردن کودکان دهکده به مدت نیم ساعت همزمان با عبور یک مبلغ سیار.
- ___ تعلیم دادن تعدادی از جوانان هر سال، به نحوی که بتوانند به طور مرتب کلاس‌های هفتگی برای کودکان گروه‌های سنی مختلف منعقد سازند.
- استحکام جوامع محلی:
- ___ ملاقات با جوامع محلی هر سال در اول رضوان به منظور مساعدت ایشان در انتخاب محفل روحانی محلی.
- ___ تهیه کردن لیستی از وظائف محافل روحانی برای هر یک از آنان.
- ___ همکاری با جوامع و محافل روحانی در ترقی و پیشرفت آنان و مساعدت در مسائلی نظیر انعقاد ضیافت نوزده روزه، تشکیل کلاس‌های کودکان، تأسیس صندوق خیریه، و انجام نقشه‌های محلی تبلیغی.
- تزیید معلومات گروه‌های زیادی از احباء:
- ___ انعقاد کنفرانس‌هایی هرچند ماه یکبار که در طی آن اعضای مؤسسات و دیگر دوستان با تجربه نطق ایراد کنند.
- ___ یادآوری دوستان در هر موقعیتی که مطالعه آیات الهی بسیار مهم است.

___ به وجود آوردن برنامه منظم برای تزئید معلومات مؤمنین جدید که شامل مطالب مناسب و استفاده از معلمین مجرب میباشد.

تصدیق مؤمنین جدید از طریق برنامه‌های تبلیغی فردی:

___ دادن تعدادی کتب برای مطالعه به شخصی که علاقمند به امر است.

___ حقایق امر را با ذوق و شوق به فردی که علاقمند است توصیه دادن و به محض تسجیل، او را رها کردن تا به میل خود به مطالعاتش ادامه دهد.

___ آشنا شدن با شخصی که به امر الهی تمایل دارد و تصمیم در مورد نحوهٔ ابلاغ امر به او و سپس در نهایت مهربانی با او رفتار نمودن و کمک به او در تصدیق امر الهی و تزئید معلومات تا حدی که خود بتواند به تبلیغ امر قیام نماید.

بخش هشتم

ذیلاً افکاری برای یک نمایشنامه به اسم "مثبت و منفی" درج می شود. یک نفر را انتخاب کنید و بعد از اینکه هر کدام نقش خود را یاد گرفتید در برابر گروه اجراء نمائید. فقط به این مثال‌ها اکتفاء نکنید، بلکه مشورت نموده موقعیت‌های دیگر را ضمن نمایشنامه ارائه دهید.

مثبت: من بهائی هستم و بزرگترین خوشی من اینست که پیام الهی را با دیگران در میان بگذارم. هر وقت تبلیغ می‌کنم قلبم شاد می‌شود.

منفی: من بهائی هستم و حقیقتاً می‌خواهم تبلیغ کنم ولی خیلی مشکل است چون باید همیشه صبح زود از خواب بیدار شوم و به دهی بروم که لجنه به من مأموریت تبلیغ داده است.

مثبت: تعلیم کودکان خیلی مهم است و من به این کار خیلی علاقه دارم. کودکانی که من در دهات مختلف ملاقات می‌کنم خیلی استثنائی هستند و من آنها را از بهترین دوستان خود محسوب می‌دارم.

منفی: تعلیم کودکان خیلی مهم است ولی بنظر می‌آید انجامش ممکن نیست چون کودکان امروزه خیلی بد رفتار می‌کنند و هیچکس نمی‌تواند تحملشان کند.

مثبت: من هفته‌ای یکبار کلاس کودکان دارم که خیلی خوب است. البتّه محصلین من فرشته نیستند، گاهی مشکلاتی دارند و تعلیم دادنشان برایم سخت است ولی با عشق و صبر و با کمک بیانات حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء همه چیز بخوبی انجام می‌شود. چه سعادت است وقتی می‌بینم بعد از یکسال کار کردن با آنها چه پیشرفتی کرده‌اند.

منفی: خوب یکی از کارهایی که باید بکنم تعلیم کودکان است، ولی بچه‌ها به کلاس درس نمی‌آیند. با ۳۰ نفر شروع کردم بعد ۲۰ نفر شدند و الآن فقط ۵ نفرند و این عده کم از کلاس‌های من که فقط گاهی حوصله تشکیل آن را دارم چه یاد خواهند گرفت؟

مثبت: یک روز رفتم به ملاقات یک خانواده بهائی، تا اخبار امری شان را بدهم ولی خانه نبودند با یکی از خویشاوندان آنها که قبلاً نمی‌شناختم ملاقات کردم و از فرصت استفاده کرده و تبلیغ نمودم و او اقبال کرد.

منفی: یک روز رفتم به ملاقات یک خانواده بهائی، تا مجله اخبار امری شان را بدهم یک نفر از خویشان آنها که قبلاً او را ملاقات نکرده بودم گفت نیستند. مایوس شده برگشتم.

مثبت: در این منطقه ملاقات مرتب با مردم مقداری مشکل است. اما با پشتکار و مداومت امکان پذیر است. یک سال پیش یک کلاس تزئین معلومات غروب‌های چهارشنبه در جامعه خود شروع کردیم. در بدایت دو نفر شرکت نمودند اما ما مایوس نشدیم و هیچ افکار منفی در باره کسانی که شرکت نکردند نداشتیم. ملاقات دوستان را ادامه دادیم و مرتب مطالبی را که در کلاس مطالعه می‌شد با آنها در میان می‌گذاشتیم. در طی چندماه گذشته ۱۰ نفر به طور مرتب در کلاس شرکت می‌کنند و این تعداد رو به ازدیاد است.

منفی: ببین! مردم به جلسات نمی‌آیند! آنها جمع نمی‌شوند! جمع نمی‌شوند!

بخش نهم

در بخش‌های گذشته راجع به عظمت ظهور حضرت بهاءالله فکر کردیم و متوجه شدیم چقدر مهم است که کلمات حضرتش را با دیگران در میان بگذاریم و همچنین درک نمودیم که لذت تبلیغ در نفس اقدام به تبلیغ است. برای حفظ این لذت باید خود را از این دنیا منقطع سازیم و در انتظار تحسین و تشویق و ستایش دیگران نباشیم و همواره آماده کوشش و فداکاری باشیم.

در نصوص ذیل حضرت بهاءالله می‌فرمایند که باید نفوس را به شریعت الهی رهبری نمائیم و به ما اطمینان می‌دهند که در هنگام تبلیغ جنود ملاء اعلی مدد می‌نمایند. باید با اطمینان به تأییدات الهی در نهایت انقطاع، فارغ و آزاد مثل باد، نفحات الهیه را در اطراف و اکناف منتشر سازیم. پیشنهاد می‌شود که این واحد را با از برکردن بیانات مبارکه ذیل به پایان رسانید:

"جهد کن که شاید نفسی را بشریعه رحمن وارد نمائی این از افضل اعمال عند غنی متعال مذکور."^{۱۴}

"تالله الحق من يفتح اليوم شفتاه في ذكر اسم ربه لينزل عليه جنود الوحي عن مشرق اسمي الحكيم العليم." ۱۵ (مضمون بيان مبارک به فارسی چنین است: قسم بخدا کسی که امروز به ذکر پروردگار لب بگشاید لشکرهای وحی الهی بر او وارد می شود.)

"من اراد التبليغ ينبغي له ان ينقطع عن الدنيا و يجعل همه نصره الامر في كل الاحوال." ۱۶ (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: کسی که اراده تبليغ می کند باید از دنیا منقطع شود و تمام کوشش خود را در همه حال صرف یاری امر مبارک نماید.)

"مثل ارياح باش در امر فائق الاصبح چنانچه مشاهده می نمائی که ارياح نظر بمأموریت خود بر خراب و معمور مرور می نماید نه از معمور مسرور و نه از خراب محزون و نظر بمأموریت خود داشته و دارد احباء حق هم باید ناظر به اصل امر باشند و به تبليغ آن مشغول شوند لله بگویند و بشنوند هر نفسی اقبال نمود آن حسنه با و راجع و هر نفسی که اعراض نمود جزای آن به او واصل." ۱۷

"قل اذ جاء النصر كل يدعون الايمان و يدخلون في امر الله طوبى للذين هم استقاموا على الامر في تلك الايام التي فيها ظهرت الفتنة من كل الجهات" ۱۸ (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: زمان فتح و پیروزی همه ادعای ایمان می کنند و به امر الهی وارد می شوند خوشحال بحال نفوسی که در این ایام که فتنه و فساد از همه اطراف ظاهر شده به استقامت در امر الهی قائم باشند.)

"اذكرني في ارضي لأذكرک في سمائي لتقرّ به عينک و تقرّ به عيني." ۱۹ (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: در زمین من مرا یادکن تا تو را در آسمان خود بیاد آرم تا دیده تو و چشم من به آن روشن شود.)

مراجع

۱. منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله ص ۱۷۹ ، ش ۱۲۹ (لجنة نشر آثار امری بلسان فارسی و عربی آلمان).
۲. مأخذ بالا، ص ۲۰۹ ، ش ۱۵۳.
۳. مأخذ بالا، ص ۲۱۰، ش ۱۵۳
۴. مأخذ بالا، ص ۶۹ ، ش ۴۳
۵. فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء ص ۵۱ ، لوح هفتم (انتشارات لجنة امور احبای ایرانی امریکائی ویلمت ۱۹۸۵).
۶. کلمات مکنونه فارسی .
۷. کلمات مکنونه فارسی.
۸. کلمات مکنونه عربی.
۹. کلمات مکنونه فارسی.
۱۰. حضرت بهاء الله (امر و خلق، جلد ۳) ص ۳۹۸.
۱۱. حضرت بهاء الله هفت وادی (آثار قلم اعلى چاپ ایران ص ۹۸).
۱۲. فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء ص ۸۵.
۱۳. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء (ویلمت ۱۹۷۹) ص ۷۴ ، ش ۳۶.
۱۴. منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله ص ۲۱۸ ، ش ۱۶۱.
۱۵. مأخذ بالا، ص ۱۷۹ ، ش ۱۲۹.
۱۶. مأخذ بالا، ص ۲۱۵ ، ش ۱۵۷.
۱۷. مأخذ بالا، ص ۲۱۸ ، ش ۱۶۱.
۱۸. مأخذ بالا، ص ۲۰۵ ، ش ۱۵۰.
۱۹. کلمات مکنونه عربی.



مطالبی برای تزئید معلومات

هدف

ایجاد توانمندی برای دیدار متناوب از منازل مؤمنین
جدید و همراهی با آنان در تزئید معلومات.

تمرین

ملاقات با چند خانواده و مطالعه حد اقل ۳ مطلب
اول که در این واحد مطرح شده است با آنان.

بخش اول

چون قدم به میدان خدمت می‌گذاریم یکی از آسانترین خدماتی که می‌توان به آن مشغول شد ملاقات مصدقین جدید است تا بالاتفاق معلومات خود را در زمینه تعالیم مبارکه افزایش دهیم. مطالب ذیل که نتیجه تجربیات یاران الهی در مناطق مختلف می‌باشد به ما کمک خواهد کرد تا افکار خود را منظم نمائیم و تصمیم بگیریم چگونه به این خدمت ارزنده قیام کنیم.

تصور کنید که شما یک پروژه تبلیغی موفقیت‌آمیزی را اخیراً به اتمام رسانده‌اید. این پروژه تحت اشراف محفل روحانی محل و با کمک لجنة منطقه‌ای تبلیغ تنظیم شده بود و تعدادی از مبلغین باتجربه از جامعه‌های نزدیک دعوت شده تا در ترویج و استحکام امرالله در آن جامعه کمک کنند. با وجودی که جسماً از فعالیت‌های مستمر چند روزه خسته می‌باشید ولی احساس شغف و سرور می‌کنید. لذت شرکت در فعالیت‌های تبلیغی این پروژه به اتفاق مبلغین باتجربه و ملاقات رهبران جامعه و جلب دوستی آنها و مساعدت در ازدیاد احترام آنها نسبت به امر مبارک و ملاقات مستمر دوستان در منازلشان و مطالعه و تحقیق با اعضای خانواده و همچنین کلاس‌های کودکان که موجب می‌شد احساس نمائید دلتان می‌خواهد دوباره به دوران کودکی برگشته در این کلاس‌ها شرکت نمائید و همچنین جلسات جامعه در شب‌ها را به یاد می‌آوردید که باعث ارتقاء ارواح به درجات عالی‌تری از روحانیت می‌گردید و یا کلاس‌های تزئید معلوماتی که مبلغین سیار ترتیب می‌دادند و شما هم فرصت شرکت در آن را داشتید و از همه جالب‌تر خاطرات اوقاتی است که محفل روحانی محلی از شرکت کنندگان در پروژه دعوت به عمل آورده همه را غرق محبت و هدایت‌های خود می‌نمودند.

موضوعی که بیش از هر چیز فکر شما را به خود مشغول داشته است اینست که چگونه این تعداد قابل ملاحظه از مؤمنین را که در طی مدت ۳۰ روز اخیر به امر مبارک ایمان آورده‌اند را در معارف امری عمیق سازید. شما هنوز بیانات یکی از معلمین باتجربه خود را بیاد دارید که مرتباً اهمیت بازدید از مؤمنین جدید به منظور استحکام دوستی با آنان و کمک به آنها در تزئید معارف امری را تأکید می‌نمود. پس از تأمل و دعا در این باره، چند خانواده را که کم و بیش می‌شناسید انتخاب می‌نمائید و تصمیم می‌گیرید به طور منظم به دیدارشان روید.

اولین خانواده آقا و خانم سعادت می‌باشند که در شهرها و قرای مجاور بسیار معروف و مورد احترام همه مردم آن منطقه هستند. این خانم و آقا که حدوداً شصت سال دارند از خانواده بزرگی می‌باشند که نسل‌ها در آن منطقه زندگی می‌کنند. بچه‌هایشان همه بزرگ شده‌اند و اکنون بنهائی در همسایگی شما زیست می‌کنند.

آقا و خانم سعادت با وجود کمی تحصیلات، سواد خواندن و نوشتن را دارند. با اعمال و رفتارشان و خلوص نیّتی که در تماسشان با دیگران نشان داده‌اند، احترام مردم شهر را به خود جلب نموده‌اند. البته شما با در نظر گرفتن ثروت و مقام در مورد مردم قضاوت نمی‌کنید و هیچوقت به خود اجازه نمی‌دهید به خاطر مقام و یا تحصیلاتتان احساس برتری نمائید و یا با حالتی ریاست مآبانه که در شأن یک مبلغ بهائی نیست رفتار نمائید. یکی از درس‌های مهمی که ضمن این فعالیت از مبلغین باتجربه آموخته‌اید این است که به خاطر سادگی و سهولت نباید از قدر و منزلت

تعالیم مبارکه کاست و با زبانی کودکانه نباید با بزرگسالان که اعم از باسواد و بیسواد حکمت‌های زیادی از زندگی آموخته‌اند صحبت نمود، لذا خاضعانه و با تضرع و ابتهال می‌نشینید و افکار خود را با دقت در بارهٔ اولین مطلب تزئید معلوماتی که عهد و میثاق الهی است تنظیم می‌نمائید. از آن جائیکه این اولین جلسهٔ شماست ممکن است کمی هراسان و نگران باشید لذا تصمیم می‌گیرید مطالبی راجع به موضوع بنویسید، نه به منظور آنکه برای آن خانواده بخوانید، بلکه جهت قوت قلب و اطمینان بیشتر خودتان.

تمرین:

۱. همانگونه که از مطالب فوق درک کرده‌اید افکار و رفتار شما هنگام بازدید از مقبلین جدید عامل مهمی در موفقیت شماست. بنابراین بهتر است کمی تأمل نمائید و فکر کنید که چگونه بعضی از افکارتان می‌تواند ملاقات‌های شما را مؤثرتر سازد. فرض نمائیم شما در حال رفتن به ملاقات خانوادهٔ سعادت می‌باشید. در قسمت ذیل بعضی از افکار که ممکن است در مورد خانواده سعادت و ملاقات با آنها و چگونگی توضیح دادن مطالب برای آنها در ذهن شما باشد ذکر می‌شود. نکاتی را که در مساعی شما در تزئید معلومات این دوستان سهم مؤثر خواهد داشت علامت بگذارید.

راجع به ملاقات :

_____ وظیفه من است که در امر الهی آنان را تعلیم دهم و مطمئن شوم که مطالب زیادی را یاد می‌گیرند.

_____ چه افتخاری است که بتوان اوقاتی را با این خانوادهٔ عزیز صرف نمود و قسمت‌هایی از بیانات مبارکه را با آنها در میان گذاشت.

_____ می‌دانم که تزئید معلومات مقبلین جدید خیلی مهم است و خوشحالم که این خدمت را انجام می‌دهم، ولی امیدوارم این برنامه خیلی طول نکشد چون کارهای زیاد دیگری دارم که امروز باید انجام دهم.

_____ لیستی طولانی از مطالبی که باید امروز به خانوادهٔ سعادت بگویم در نظر دارم و سعی خواهم کرد که تمام نکات را با آنان در میان بگذارم.

راجع به خانوادهٔ سعادت:

_____ خانوادهٔ سعادت خوب و خوش‌قلبی می‌باشند ولی دانش زیادی ندارند، شاید حضرت بهاء‌الله را قبول کرده‌باشند، ولی خدا می‌داند چه چیزی از امر درک کرده‌اند.

_____ باید خیلی مواظب باشم وقتی با خانوادهٔ سعادت صحبت می‌کنم مطالب مشکلی را عنوان ننمایم. بیشتر مطالب امری احتمالاً برایشان خیلی مشکل است، مهم آن است که محبت خود را به آنها نشان دهم چون می‌دانم تحصیلات کمی داشته‌اند.

_____ طفلکی آقا و خانم سعادت در این سن دیگر چه می‌توانند یاد بگیرند.

_____ هر مؤمن جدید استعداد و قابلیت‌های جدید به جامعه می‌آورد. چون آقا و خانم سعادت‌تی از عشق حضرت بهاء‌الله سرشار شوند و معلوماتشان افزایش یابد، خدمات ذیقیمتی به جامعه خواهند نمود.

راجع به روش بحث و شرح مطالب:

_____ آنها بالغ هستند می‌توانند بخوانند. من فقط بیاناتی کوتاه در اختیارشان می‌گذارم که خود مطالعه کنند.

_____ حال باید متذکر باشم که باید بنشینم و صبورانه کلمه به کلمه مطالب را برایشان شرح دهم چون در غیر این صورت نمی‌توانند این مطالب عمیق و مشکل‌آمیزی را بفهمند.

_____ خیلی مهم است که بتوانم باب صحبت را با آنها باز کنم. وقتی می‌خواهم عقیده‌ای را ارائه دهم باید چندین بار مکث کنم تا بتوانیم بیانات را با هم مطالعه کنیم و راجع به هر یک مشورت نمائیم.

_____ مثلاً من شروع می‌کنم و همه عقاید خود را بیان می‌کنم و در خاتمه از آنها می‌خواهم اگر سؤالاتی دارند مطرح نمایند.

۲. در گروه‌های کوچک و به کمک راهنمای گروه راجع به اولین ملاقات خود با خانواده‌ای مانند خانواده سعادت‌تی فکر کنید. هر عضو گروه می‌بایست نمایشنامه‌ای کوتاه بازی کند و نشان دهد چگونه وارد منزل می‌شود و با آنها احوالپرسی می‌کند و چگونه موضوع عهد و میثاق الهی را با آنها در میان می‌گذارد. اعضاء گروه باید نمایش هر یک را با در نظر گرفتن شرایط ادب، مهربانی و تواضع ارزیابی کند و بعد از اینکه هر عضو نقش خود را بازی کرد، گروه باید با هم متفق شوند و مناسبترین روش ملاقات را پیدا کنند.

بخش دوم

شرح کوتاه ذیل راجع به مبحث عهد و میثاق ابدی شاید مانند همان مطلبی باشد که شما به منظور ملاقات با مقبلین جدید تهیه نموده بودید:

خالق همه اشیاء خداوند یکتا، بی‌همتا و مختار است. او خالق آسمان و زمین با همه کوه‌ها، صحراها، دشت‌ها، جنگل‌ها و دریاها آن است. خداوند هر موجود زنده‌ای را به خلعت حیات آراسته است. او انسان را به صورت خود و تصویر خود آفریده است.

حضرت بهاء‌الله به ما تعلیم فرموده‌اند که فکر بشری قادر به درک ذات الهی نیست، زیرا محدود درک غیر محدود نماید. صفاتی که پیروان ادیان مختلف به خدا نسبت می‌دهند ثمره فکر و خیال بشری است. خدا بشر نیست و او صرفاً به صورت قوه‌ای منتشره در تمام عالم هستی نیست. کلماتی که لزوماً برای توصیف او بکار برده می‌شود مانند پدر آسمانی، قدرت ملکوتی و روح اعظم، هر کدام یکی از صفات و اسماء الهی است که به زبان بشری بیان می‌شود و از وصف ذات الهی عاجز است.

در کلمات مکنونه مطالعه کرده ایم:

"یا ابن الانسان احببت خلقک فخلقتک فاحببنی کی اذکرک و فی روح الحیاة اثبتک" ^۱ (مضمون

بیان مبارک به فارسی چنین است: ای پسر انسان خلقت تو را دوست داشتم پس تو را آفریدم. مرا دوست بدار تا یادت کنم و تو را به روح حیات پاینده سازم.)

بر طبق این بیان مبارک تنها علت وجود ما عشقی است که خدا به ما دارد و باید همواره متذکر این عشق باشیم که ما را محافظت می کند، تأیید می دهد و روح حیات می بخشد. در هنگام سختی و راحتی و غم و شادی باید بیاد آوریم که محبت او مستمراً شامل حال است.

از تعالیم مبارکه می آموزیم که چون حبّ الهی موجب خلقت گردید، خداوند با ما عهدی بست که تا ابد ادامه خواهد داشت. کلمه "عهد" یعنی وعده و قرارداد دو نفر یا بیشتر. بر طبق میثاق ابدی الهی خداوند بخشنده هیچوقت ما را تنها نمی گذارد و هر گهگاه اراده و مقاصد خود را توسط یکی از مظاهر خود برای ما ظاهر می سازد.

فعل "ظهر" یعنی ظاهر ساختن و نشان دادن که از قبل معلوم نبوده است. مظاهر امر الهی آن وجودات مقدّسی هستند که کلمات خدا را برای ما ظاهر و عیان می نمایند. آنان مرئیان جهان هستند که به ما می آموزند چگونه طبق اراده الهی زندگی کنیم و به سعادت حقیقی فائز شویم. از جمله مظاهر ظهور حضرت کریشنا، حضرت زرتشت، حضرت بودا، حضرت موسی، حضرت مسیح، حضرت محمد و البتّه حضرت باب و حضرت بهاء الله، دو مظهر ظهور این عصر می باشند.

هر تعهدی دو طرف دارد و بین دو گروه است. هر طرف قول می دهد به نحو مشخصی عمل کند. در عهد و میثاق ابدی الهی خداوند همیشه نقش خود را عمل نموده است، ولی ما چگونه می توانیم مطمئن شویم که نقش خود را در این عهد و میثاق عظیم ایفا می نمائیم؟

عهد و میثاق الهی از ما می خواهد تا مظهر ظهور الهی را بشناسیم و به اراده او تسلیم شویم. باید به یاد آریم که هدف از زندگی ما شناسائی و عبادت خداوند است. این نکته مهمّ در بیانات مختلفه حضرت بهاء الله آمده است. نماز صغیر بهترین مثال است:

"اشهد یا الهی بانک خلقتنی لعرفانک و عبادتک. اشهد فی هذا الحین بعجزی و قوتک و ضعفی و

اقتدارک و فقری و غنائک لا اله الا انت المهیمن القیوم" ^۲ (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین

است: خداوند آگاهی می دهد که مرا خلق فرمودی تا به شناسائی تو فائز گردم و ترا عبادت کنم در این حال به عجز خود و قوت تو و ضعف خود و اقتدار تو و فقر خود و غنای تو گواهی می دهم که جز تو خدای مقتدر مهیمن نیست.)

از آنجائیکه خدا را فقط بوسیله مظاهر امر او می‌توانیم بشناسیم تنها با شناسائی مظهر امر او در این یوم می‌توانیم به هدف زندگانی خود تحقق بخشیم. ما که موهبت شناسائی حضرت بهاءالله را یافته‌ایم باید شاکر و حامد باشیم که در چنین روزی که وعده‌های الهی همه تحقق یافته زندگی می‌نمائیم. باید شاکر به درگاه حق باشیم که هدیه شناسائی حضرت بهاءالله را در حینی که اکثر من علی الارض از عظمت و جلال ایشان غافلند شامل حال نموده است. حضرت بهاءالله می‌فرماید:

"امروز روز فضل اعظم و فیض اکبر است بایدکل بکمال اتحاد و اتفاق در ظل سدره عنایت الهی ساکن و مستریح باشند."^۳

چقدر باعث تأسف است اگر شخصی بشارت ظهور حضرت بهاءالله را بشنود و لکن او را قبول نکند و به عقائد آباء و اجدادش متمسک شود. این شخص از جمله نفوسی است که در هر عصر آرزوی ظهور موعود را می‌نمودند، و لکن چون ظهور فرمود قبول نمودند و به عهد و میثاق الهی وفا نکرده به او هام متمسک شدند.

پس از قبول حضرت بهاءالله باید در امر او استقامت نمود و مطیع دستورات او شد. نباید اجازه دهیم انتقادات مردم نادان ما را از صراط مستقیمی که اختیار نموده‌ایم دور کند. باید بر عهدش ثابت و استوار بمانیم. حضرت بهاءالله می‌فرماید:

"و بعد از عرفان حق اعظم امور استقامت بر امر اوست. تمسک بها و کن من الراسخین."^۴

اگر در وقت نزول امتحانات الهیه، حیات حضرت بهاءالله را بیاد آریم، در عهد و میثاق الهی ثابت و محکمتر خواهیم شد. باید مصائب و صدمات و همچنین پیروزی‌ها و موفقیت‌های عظیم آن حضرت را بیاد آریم و همواره متذکر محبت لانهایه حضرتش به همه افراد بشر باشیم. باشد تا این کلمات مبارکه در فکر و قلبمان نقش بندد.

"قد قید جمال القدم لاطلاق العالم و حبس فی الحصن الاعظم لعنق العالمین و اختار لنفسه الاحزان لسرور من فی الاکوان هذا من رحمة ربک الرحمن الرحیم. قد قبلنا الذلّة لعزکم و الشدائد لرخائکم یا ملاءالموحیدین. ان الذی جاء لتعمیر العالم قد اسکنه المشرکون فی اخبرب البلاد."^۵

(مضمون بیان مبارک بفارسی چنین است: جمال قدم قید و زنجیر را برای رهائی نوع بشر و حبس و زندان را در سجن اعظم برای آزادی حقیقی اهل عالم قبول فرمود و از روی فضل و رحمت خود، حزن را به خاطر سرور جهانیان و ذلت را برای عزت مردمان و شدت را برای راحتی موحدان اختیار نمود و نیز می‌فرماید که مشرکان کسی را که برای بازسازی عالم آمده در خراب‌ترین شهرهای جهان مسکن داده‌اند.)

تمرین:

۱. برعکس آنچه در واحدهای قبل مطالعه کرده‌اید این واحد حاوی قطعاتی طولانی راجع به موضوع‌های مختلف است. اگر بار اول است که موضوع "عهد و میثاق الهی" را مطالعه می‌کنید، می‌بایستی آن را چندین بار در گروه خود، قسمت به قسمت بخوانید تا بتوانید این مفهوم را به زبان خود به راحتی بیان نمایید. روش‌های مختلفی جهت کمک به یکدیگر در فهم این موضوع وجود دارد، مثلاً می‌توانید دو یا سه بار موضوع را بخوانید و از یکدیگر سؤال کنید. سؤالات باید طوری طرح شود که جوابش در خود مطلب باشد. البته فراگیری بیانات مبارکه خیلی مهم است چون ذکر بیانات مبارکه قسمت مهم بحث و مشورت شما را راجع به هر موضوعی با مقبلین جدید تشکیل می‌دهد. تمرین‌های ذیل به شما کمک می‌کند تا در مفهوم بیانات مبارکه فوق تأمل کنید.

الف) خالق همه موجودات کیست؟ _____

ب) آیا چیزی هست که خداوند خلق نکرده است؟ _____

ج) چرا خداوند عالم انسانی را خلق فرموده است؟ _____

د) معنی کلمه "عهد" چیست؟ _____

ه) چرا خداوند با انسان عهد بسته است؟ _____

و) آیا درست است که بگوئیم: اگر خداوند را دوست نداشته باشیم محبت او به ما نمی‌رسد؟ _____

ز) آیا درست است بگوئیم: اگر خدا را دوست نداشته باشیم او هم ما را دوست نخواهد داشت؟ _____

ح) آیا خداوند هیچوقت ما را به حال خود رها خواهد نمود؟ _____

ط) هدف از زندگی ما چیست؟ _____

ی) آیا ممکن است به ذات خداوند پی ببریم؟ _____

ک) اگر شناسائی ذات خدا امکان ندارد پس چرا می‌گوئیم هدف از زندگی ما عرفان خداوند است؟ _____

ل) مقصود از کلمه "مظهر" چیست؟ _____

م) چند مظهر ظهور الهی را نام ببرید. _____

ن) جملات ذیل را تکمیل کنید:

امروز روزی است که _____ اعظم خداوند بر عالم انسانی احاطه نموده.

امروز روزی است که _____ اکبر بر همهٔ خلایق احاطه نمود.

در چنین روزی باید بکمال _____ و در ظلّ _____ مستریح شویم.

(س) اگر بخواهیم به عهدی که با خدا بسته‌ایم وفا کنیم چه باید بکنیم؟

(ع) آیا درست است که بگوئیم وقتی حضرت بهاء‌الله را قبول کردیم مظاهر ظهور قبل را رد کرده‌ایم؟ _____

(ف) چرا تأمل در مصائب و بلاهای جمال مبارک به ما کمک می‌کند در عهد و میثاق ثابت باشیم؟ _____

(ص) چرا حضرت بهاء‌الله قبول فرمودند در قید و زنجیر باشند؟ _____

(ق) چرا حضرت بهاء‌الله سجن را قبول فرمودند؟ _____

(ر) چرا حضرت بهاء‌الله از کأس حزن نوشیدند؟ _____

(ش) چرا حضرت بهاء‌الله ذلت را قبول فرمودند؟ _____

(ت) چرا حضرت بهاء‌الله متحمل بلاهای لاتحصى شدند؟ _____

(ث) آیا حضرت بهاء‌الله، چون قدرت دفاع از خود را نداشتند قبول مصائب نمودند؟ _____

۵. همانطور که قبلاً ذکر شد علاوه بر مطالب مورد بحث با مقبلین جدید احساسات و طرز برخورد شما عامل مهمی در مفید بودن دیدار شما است. بخصوص مهم است که حالت دعا و مناجات را همواره در حین بحث و مشورت دارا باشید. همینطور که با دیگران مشورت می‌کنید باید مرتباً به سوی خدا توجه کنید و از او بخواهید که قلب و فکر شما و سایر حضار را روشن نماید. عبارات و جملات بسیاری در مناجات‌ها موجود است که می‌توانید حفظ نمائید و در ذهن خود تکرار کنید برای مثال ذکر می‌شود:

"دلها را روشن کن و چشم‌ها را بینا نما و گوشها را شنواکن."^۶

"الطاف بی پایان شامل کن. نور هدایت برافروز..."^۷

"ابواب عرفان بگشا نور ایمان تابان نما..."^۸

"ای ربّ نور وجوه عبادک للتوجه الی وجهک..."^۹ (مضمون بیان: ای پروردگار روی بندگانت را نورانی نما تا به سوی تو توجه نمایند.)

"...و جبین به پرتو فیض قدیم بیارایند..."^{۱۰}

بخش سوم

اولین دیدار از خانواده سعادتی شما را غرق سرور نمود. همانطور که انتظار داشتید آنها مهمان نواز و علاقمند به یادگیری بودند. احساس می‌کنید وقتی که صرف آمادگی خود کرده‌اید نتیجه بخش بوده است. شما موفق شدید افکار خود را به وضوح ارائه دهید و بحث مفیدی در مورد بیاناتی که انتخاب نموده بودید داشته باشید. شما با کمال خضوع و خشوع جواب سؤالاتی را که مطرح می‌شد می‌دادید و چند بار اذعان نمودید که باید با احبائی که اطلاعات بیشتری دارند صحبت کنید و در بیانات مبارکه به جستجوی جواب مناسب پردازید.

واقعه جالب آنکه مریم، یکی از نوه‌های خانم و آقای سعادتی که برای چند هفته به ملاقات پدر و مادر بزرگش آمده بود نیز در جلسه حضور داشت. نحوه شرکت او در مذاکرات بنظر شما خیلی جالب بود. با وجودی که بیش از ۱۵ سال نداشت استعداد عجیبی در درک و فهم سریع مطالب نشان می‌داد. بنابراین شما تصمیم گرفتید به او بیشتر توجه کنید و کمکش نمائید تا بر اساس استعداد و علاقه‌اش معلومات امری خود را افزایش دهد و بسیار خوشحال شدید وقتی مریم قبول کرد که قسمت‌هایی از حیات حضرت بهاءالله را مطالعه کند و در جلسه بعد بیان نماید و با خوشحالی اظهار داشت که چندتن از دوستان خود را هم خواهد آورد.

در قسمت ذیل مختصری از حیات حضرت بهاءالله به نحوی که مریم مطالعه نموده تا برای سخنرانی جلسه بعد آماده شود نقل می‌گردد:

حضرت بهاء‌الله در تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۸۱۷ در طهران پایتخت ایران متولد شدند. از کودکی صفات و خصوصیتی خارق‌العاده داشتند و طرز رفتار ایشان، والدینشان را متقاعد ساخت که در آینده مقام عظیمی خواهند داشت. پدر حضرت بهاء‌الله که وزیر مشهوری در دربار شاه بودند عشق و فیری به پسر خود داشتند. یک شب ایشان در رؤیا دیدند که حضرت بهاء‌الله در اقیانوس بزرگی شنا می‌کنند. دور سر نورانی ایشان موهای سیاهشان بر روی آب شناور بود و تعداد زیادی ماهی هریک تاری از موی مبارک را گرفته بودند. حتی یک تار مو از سر ایشان جدا نشده بود. حضرت بهاء‌الله آزادانه و با عظمت بر روی آب شنا می‌نمودند و ماهی‌ها بدنبال ایشان شناور بودند. پدر حضرت بهاء‌الله از شخص معبری خواست تا این رؤیا را تعبیر کند. آن شخص معبر گفت این اقیانوس بی‌حد و حصر عالم وجود است و حضرت بهاء‌الله فریداً و وحیداً بر این دنیا سلطنت خواهند نمود. ماهیان زیاد نشانه آشوب و اضطراب است که با ظهور حضرتش برپا خواهد شد ولیکن ایشان در تحت حفظ و حمایت الهی محفوظ خواهند ماند و هیچ چیز آسیبی به ایشان نخواهد رساند.

وقتی که حضرت بهاء‌الله به سن ۱۴ سالگی رسیدند در دربار شاه به حکمت و علم معروف بودند. در ۲۲ سالگی پدرشان صعود نمود و دولت منصب عالی پدر را به ایشان پیشنهاد کرد، ولی حضرت بهاء‌الله که نمی‌خواستند حیات خود را در اداره امور دنیوی صرف کنند، شغل دربار و وزارت را قبول نکردند و طریقی را که خداوند برایشان مقدر فرموده بود دنبال نمودند. وقت خود را صرف کمک به فقراء و ضعفاء و بیماران نمودند و بزودی به عدالت و انصاف معروف خاص و عام شدند.

در سن ۲۷ سالگی حضرت بهاء‌الله از طریق فرستاده ویژه‌ای بعضی از آثار حضرت باب را دریافت نمودند که در آن بشارت به ظهور یوم‌الله داده شده بود، روزی که مظهر ظهور جدید ظاهر خواهد شد و صلح عمومی و وحدت و عدالتی را که عالم انسانی مدت‌ها منتظر آن بوده تحقق خواهد بخشید. حضرت بهاء‌الله بلافاصله پیام حضرت باب را قبول فرموده یکی از پیروان مشتاق آن حضرت گردیدند. متأسفانه زمامداران ایران که با هواهای نفسانی کور شده بودند، به نحوی شدید و وحشیانه به آزار و اذیت پیروان حضرت باب پرداختند. حضرت بهاء‌الله که به شرافت و حسن سیرت معروف بودند نیز از این مصائب در امان نماندند. حدود ۸ سال پس از بعثت حضرت باب و ۲ سال پس از شهادت آن حضرت، حضرت بهاء‌الله اسیر سجن سیاه‌چال شدند. زنجیری که بر گردن آن حضرت گذاشته بودند آنقدر سنگین بود که قادر بر بلند نمودن سرشان نبودند. در این سجن حضرت بهاء‌الله ۴ ماه تحمل مشقت و سختی بسیار نمودند و در همین سیاه‌چال بود که وحی الهی بر ایشان نازل شد و معلوم گردید که موعود جمیع امم می‌باشند. از این سجن تاریک، شمس حقیقت اشراق فرمود تا آفاق را منور سازد.

پس از ۴ ماه مسجونیت در سجن سیاه‌چال، تمام املاک حضرت بهاء‌الله را تصرف نموده ایشان را با اهل و عیال تبعید نمودند. در سرمای سخت زمستان از طریق کوه‌های غربی ایران بسوی بغداد که یکی از شهرهای حکومت عثمانی بود و اکنون پایتخت عراق است حرکت نمودند. کلمات نمی‌تواند مصائب این سفر را توصیف نماید که چگونه صدها کیلومتر در برف و یخبندان این راه را پیاده طی نمودند.

شهرت مبارک بسرعت در بغداد و شهرهای مجاور آن منطقه منتشر شد و مردم دسته دسته به دیدن ایشان می‌آمدند تا کسب فیض نمایند. اما بعضی دیگر به شهرت آن حضرت حسادت می‌ورزیدند. یکی از آنها برادر ناتنی آن حضرت، میرزایحیی بود که در ظل عنایت و محبت مبارک می‌زیست. میرزایحیی که در آن ایام مورد احترام بود، بنای مخالفت را با حضرت بهاء‌الله گذاشت به خیال اینکه بایان او را به عنوان رهبر قبول خواهند کرد، ولی نمی‌دانست که با روی برگرداندن از مظهر ظهور الهی تدنی و سقوط او حتمی خواهد بود. در ایام ظهور مظهر امر الهی تنها نفوسی که عبودیت و بندگی او را قبول می‌کنند به عظمت حقیقی خواهند رسید. حتی اقربا و نزدیکان نمی‌توانند قبول کنند که آن حضرت حائز مقامی غیر از مردم دیگر هستند و هیچکس نمی‌تواند در آن مقام با حضرتش شریک باشد.

دسیسه‌های میرزایحیی موجب اختلاف بین پیروان حضرت باب گردید و باعث حزن شدید حضرت بهاء‌الله شد. یک شب جمال مبارک بدون آنکه به کسی بگویند خانه را ترک فرموده به کوه‌های کردستان رفتند. در آنجا عزلت اختیار فرموده به دعا و مناجات و تأمل پرداختند. درغار کوچکی زندگی کردند و به ساده‌ترین غذا قناعت فرمودند. کسی ایشان را نمی‌شناخت و اسمشان را نمی‌دانست. ولی بتدریج مردم آن منطقه در باره "شخص ناشناس" و درویش بزرگواری که علم لدنی داشت سخن گفتند و چون خبر این شخص بزرگواری به پسر ارشدشان حضرت عبدالبهاء رسید، بلافاصله علامت‌های پدر عزیز خود را شناختند و نامه‌هایی بوسیله فرستاده‌ای به آن حضرت ارسال و رجا و تمنا نمودند که به بغداد مراجعت فرمایند. ایشان قبول فرمودند و بالاخره بعد از ۲ سال به دوران پرمشقت عزلت خود خاتمه دادند.

در ایام غیبت حضرت بهاء‌الله، وضع جامعه بابی به سرعت رو به قهقرا رفت. حضرت بهاء‌الله به محض بازگشت، به دمیدن روح جدیدی در پیروان ستم‌دیده و سرگردان حضرت باب پرداختند، با اینکه هنوز ایشان مقام عظیم خود را اعلام ننموده بودند. قدرت کلام و حکمت حضرتشان تعداد کثیری از بایان را تحت تأثیر قرار داده و افراد از طبقات مختلفه مجذوب ایشان گشته و از مریدان آن حضرت شدند، اما علمای متعصب و برادر حسود ایشان، میرزایحیی نتوانستند نفوذ عظیم حضرت بهاء‌الله را بر این تعداد زیاد مردم تحمل کنند. لذا به مسئولین دولتی مکرراً شکایت نمودند تا اینکه حکومت ایران با برخی از مسئولین امپراطوری عثمانی همدست شده حضرت بهاء‌الله را به شهری بعیدتر از موطن اصلی یعنی استانبول سرگون نمودند.

اپریل ۱۸۶۳ برای مردم بغداد مملو از حزن و اندوه بود. قرار بود شخصی که به او عشق می‌ورزیدند شهر را به مقصد نامعلومی ترک نماید. چند روز قبل از عزیمت، حضرت بهاء‌الله به باغی در خارج شهر منتقل شدند و ۱۲ روز در آن باغ خیمه زدند. تعداد زیادی از نفوس دسته دسته برای وداع با آن حضرت می‌آمدند. پیروان حضرت باب با قلبی آکنده از حزن به زیارت ایشان نائل می‌شدند و بعضی از آن نفوس با آن حضرت در سرگونی به شهر استانبول همراه می‌شدند. ولی بسیاری باقی می‌ماندند و از معیت حضرت بهاء‌الله محروم می‌شدند. اما اراده الهی چنان نبود که این واقعه به حزن تمام شود. ابواب فضل بی‌منتها به روی احباء گشوده شد و حضرت بهاء‌الله به همراهان اعلان فرمودند که من یظهره‌الله و موعود اهل بیان هستم. در این حین حزن

مبدل به سرور گردید و قلوب به عشق حضرت بهاءالله مشتعل شد. این ۱۲ روز از ۲۱ اپریل تا ۲ می به عنوان عید رضوان، سالگرد اظهار امر علی حضرت بهاءالله را بهائیان در سراسر عالم و در طی قرن‌های آتیه جشن خواهند گرفت.

استانبول مرکز امپراطوری عثمانی بود. در اینجا نیز عظمت و حکمت و جذابیت حضرت بهاءالله نفوس بسیاری را به سوی خود جذب نمود. نمایندگان دولت ایران و دشمنان دیگر مسئولین دولت را قانع نمودند که جمال مبارک را به ادرنه سرگون کنند. در ادرنه حضرت بهاءالله الواحی به ملوک و سلاطین نوشتند و از آنها دعوت نمودند دست از ظلم و ستم بردارند و خود را وقف راحتی و آسایش ملت سازند. پس از مدتی مقامات دولت عثمانی آن حضرت را به عکا فرستادند و در قلعه نظامی آن شهر زندانی کردند. عکا در آن زمان بدترین و سخت‌ترین زندان در تمام امپراطوری عثمانی محسوب می‌شد و دشمنان گمان می‌کردند که بر اثر اوضاع سخت قشله عکا، مقام حضرت بهاءالله فراموش و نورشان خاموش خواهد شد و با این عمل می‌توانند امر و اراده الهی را از حرکت بازدارند.

مصائب حضرت بهاءالله در عکا قابل ذکر و احصاء نیست. در بدایت به تنهایی در حجره‌ای مسجون شدند که حتی اطفال و عیال مبارک اجازه ملاقات نداشتند. شب و روز اعداء احاطه نموده و جمیع وسائل آسایش و راحتی مفقود بود، ولی اوضاع سجن به تدریج تغییر نمود. ساکنین عکا و مأمورین حکومت متقاعد گردیدند که حضرت بهاءالله و بهائیان بیگناه می‌باشند. در اینجا نیز دوباره مردم مجذوب علم و درایت و محبت آن حضرت شدند با وجود آنکه هنوز عظمت حقیقی آن حضرت را درک نمی‌کردند. پس از چندسال ابواب سجن مفتوح شد و حضرت بهاءالله آزاد شدند و به ایشان اجازه داده شد به منزلی راحت‌تر در آن حوالی منتقل شوند، محلی که امروزه به اسم قصر بهجی معروف است. در این محل بود که حضرت بهاءالله در ماه می ۱۸۹۲ در اوج عظمت و جلال صعود فرمودند.

حضرت بهاءالله پرچم صلح عمومی و وحدت عالم انسانی را بلند نمودند و کلمات الهیه را نازل فرمودند. با وجودیکه دشمنان آن حضرت به جمیع قوی بر علیه ایشان قیام نمودند، آن حضرت ناصراً مظفراً بر آنان غالب شدند و وعده الهی که در سیاه چال طهران در تحت سلاسل به ایشان داده شده بود تحقق یافت. در دوره حیات ایشان پیام حضرتشان قلوب هزاران نفوس را زنده کرد و گروهی از آنان جان خود را در رهش فدا کردند. امروز تعالیم مبارک مستمراً در عالم انتشار می‌یابد و هیچ امری نمی‌تواند تحقق غائی آن را که وحدت عالم انسانی در ظل دیانتی جهانی است مانع شود.^{۱۱}

تمرین:

۱. مطلب فوق در باره حیات حضرت بهاءالله نسبتاً طولانی است و قبل از انجام تمرین‌ها باید چندین مرتبه در گروه خود آن را قسمت به قسمت بخوانید و از یکدیگر سؤال کنید تا مطلب را خوب بفهمید و بتوانید بزبان خود بیان نمایید.

۲. به عنوان یک بهائی تاریخ حیات حضرت بهاءالله را گاهی خلاصه و گاهی به تفصیل به حصار متعدد بیان خواهید نمود. لذا ثبت وقایع مهمه حیات مبارک ایشان در ذهن و فکر شما اهمیّت بسزا خواهد داشت. در قسمت ذیل لیستی از وقایع مهمه حیات مبارک را که ذکر شد نام ببرید. البته این لیست ابتدائی خواهد بود و همینطور که اطلاعات شما از تاریخ امر زیادتر می شود حقائق جدیدی به این لیست اضافه خواهید نمود.

۳. وقتی مطالبی مانند عهد و میثاق الهی و یا حیات حضرت بهاءالله را با مقبلین جدید در میان می گذارید نباید انتظار داشته باشید همه نکات را دقیقاً بذهن بسپارند، ولی بعضی نکات اساسی است که موجب درک عمیق تری از مطلب می شود و شما باید بر این نکات تأکید نمائید. نکات اساسی در شرح حیات حضرت بهاءالله که در فوق ذکر شد چیست؟ یک مثال برای کمک به شما ذکر می شود:

۴. اینکه حضرت بهاء الله بخاطر عشق به عالم بشریت تحمل مصائب عظیمه نمودند از نکاتی است که به عنوان فرد بهائی باید بیاد داشته باشیم و در آن تأمل کنیم. ولی وقتی راجع به این نکته صحبت می شود باید دقت کنیم که حضرت بهاء الله را شخصی بیچاره و ناتوان در مقابل اعداء معرفی ننمائیم، بلکه باید واضح شود که جمال مبارک به اراده خود راه سرگونی و سجن را انتخاب فرمودند و برای آزادی عالم انسانی قبول سلاسل و اغلال نمودند. تاریخ حیات مبارک که مشحون از مصائب عظیمه و شدید است در حقیقت یک پیروزی واقعی به حساب می آید. بر اساس معلومات خود از حیات حضرت بهاء الله و با کمک راهنمای گروه، نطقی کوتاه از مصائب و پیروزی های حضرت بهاء الله تهیه نمائید.

۵. یکی از صفات مهم لازمه قیام به این خدمت تواضع و فروتنی است. اساس تواضع، خضوع و خشوع در مقابل خدا است که موجب تواضع و فروتنی در مقابل خلق می گردد. در هیچ موقعی صفت تواضع لازم تر از وقتیکه راجع به خدا و مظاهر او می خواهید صحبت به میان آرید نیست. در این بیان مبارک حضرت بهاء الله تأمل نمائید و سعی کنید آن را حفظ نمائید:

"احبای الهی در هر مجمع و محفلی که جمع شوند باید بقسمی خضوع و خشوع از هریک در تسبیح و تقدیس الهی ظاهر شود که ذرات تراب آن محل شهادت دهند به خلوص آن جمع. و جذبه بیانات روحانیه آن انفس زکیه ذرات آن تراب را اخذ نماید نه آنکه تراب بلسان حال ذکر نماید انا افضل منکم چه که در حمل مشقات فلاحین صابرم و بکلّ ذی روح اعطای فیض فیاض که در من ودیعه گذارده نموده و می نمایم مع همه این مقامات عالیه و ظهورات لاتحصی که جمیع مایحتاج وجود از من ظاهر است باحدی فخر ننموده و نمی نمایم و بکمال خضوع در زیر قدم کلّ ساکنم." ۱۲

بخش چهارم

مریم خیلی جالب و بهتر از آنچه انتظار می رفت حیات حضرت بهاء الله را با لحنی شیرین و قانع کننده ارائه داد. خانم و آقای سعادت خیلی تحت تأثیر قرار گرفتند و همچنین معلوم بود دو نفری که دعوت شده بودند با وجودیکه خیلی می خندیدند و شوخی می کردند به امر مبارک علاقمند شدند. دو جلسه ای که با خانواده سعادت داشتید باعث تشویق شما شده و می خواهید ملاقات هایتان را با مقبلین جدید ادامه دهید. حال مسئله این است که این جلسات کوتاه و جالب باید در چه جهتی ادامه پیدا کند و چه مطالبی باید انتخاب شود تا آقا و خانم سعادت در امر عمیق تر گردند و در پیشرفت امر الله در آن منطقه فعال شوند؟ این نوع سؤال ها چند روزی است که فکر شما را به خود مشغول داشته است. از یک طرف می خواهید مطالبی مانند دعا و مناجات، حیات روح و معنی حقیقی فدا را با آنان در میان بگذارید تا زندگی روحانشان بر اساس متینی مستحکم شود. از طرف دیگر می دانید چقدر مهم است که مؤمنین جدید با جامعه محشور شده و در فعالیت های آن شرکت نمایند. چون بالاخره ملاقات شما با خانواده سعادت همیشه

ادامه نخواهد داشت، چه که باعث می‌شود متکی به شما شده و نتوانند بهائینی باشند که با ابتکار عمل خود به خدمت امر قیام نمایند. پس با خود می‌گوئید هر چیز وقت خود را دارد و حال باید به فکر موضوع بحث دیدار دو روز بعد خود باشم."

به نحوی غیرمنتظره پاسخ مشکل خود را می‌یابید. در یک جلسه بهائی احساس می‌کنید کمی کدورت و ناراحتی بین دوستان وجود دارد. به نظر می‌آید که ابرسیاهی آسمان را گرفته و نور شادی و سرور را پنهان نموده است. علت واضح است: اختلاف که بزرگترین دشمن امرالله است در جامعه رخنه نموده است. با خود می‌گوئید "عشق و محبت" در جامعه بهائی موضوع بعدی ملاقات من با خانواده سعادتی خواهد بود.

آنچنان مشتاقید که در باره مضرات اختلاف با خانواده سعادتی صحبت کنید که تا حدودی اصول ادب را فراموش می‌نمائید. بعد از احوالپرسی سریع، از آقا و خانم سعادتی می‌پرسید؟ آیا می‌دانید چه امری بزرگ‌ترین ضرر را به امر مبارک می‌رساند؟ آنها از روش صحبت و ارائه سؤال تعجب می‌کنند، ولی چون شما را دوست دارند از رفتار شما ناراحت نمی‌شوند و پس از کمی مکث، خانم سعادتی با لبخند می‌گوید "ما احساس می‌کنیم شما قدری مضطرب هستید، سؤال شما مهم است و فکر می‌کنم جواب آن را می‌دانیم. وقتی امر مبارک را قبول کردیم دانستیم که حضرت بهاءالله آمده‌اند تا نوع بشر را متحد کنند. پس بنابراین هیچ ضرری به امرالله بزرگ‌تر از اختلاف بین احباء نیست."

لحن محبت‌آمیز خانم سعادتی شما را به حالت سکون و آرامش بر می‌گرداند و با ملایمت می‌گوئید "از طرز صحبت‌م معذرت می‌خواهم". چند بیان راجع به وحدت با خود آورده‌ام. آیا موافقید آنها را با هم مطالعه کنیم؟" بدین ترتیب وارد بحث جالبی در این خصوص می‌شوید. در قسمت ذیل لیستی از نکاتی که احتمالاً در بحث و مشورت خود مطرح خواهید کرد ذکر می‌شود:

- به منظور متحد ساختن جامعه، هر فرد بهائی باید از کدورت و اختلاف احتراز کند. حضرت بهاءالله می‌فرمایند:

"ضرری از برای این امر الیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و برودت مابین احباب نبوده و نیست اجتنبوا بقدره الله و سلطانه ثم الفوا بین القلوب باسمه المؤلف العظیم الحکیم" (مضمون بیان عربی به فارسی چنین است:.. با قدرتی آلهی از فساد و نزاع دوری کنید و دل‌های احباب را بنام خداوند علیم و حکیم با یکدیگر الفت دهید)

- باید احباء را دوست بداریم و این عمل را فقط به خاطر عشق به حضرت بهاءالله باید انجام دهیم. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"با یکدیگر در نهایت اتحاد باشید. ابدأ از یکدیگر مکدر نشوید... خلق را از برای خدا دوست دارید نه برای خود چون برای خدا دوست می‌دارید هیچوقت مکدر نمی‌شوید زیرا انسان کامل نیست لابد

هر انسانی نقصی دارد اگر نظر به نفوس نمائید همیشه مکدر می شوید اما اگر نظر به خدا نمائید چون عالم حق عالم کمال است رحمت صرفست لذا برای او همه را دوست می دارید به همه مهربانی می کنید.^{۱۴}

• اگر با وجود عشقی که به یکدیگر داریم، کدورتی بینمان حاصل شد باید بلافاصله این بیان حضرت عبدالبهاء را بیاد آریم:

"از شما می خواهم هرکدام همه افکار و قلب خود را در محبت و وحدت متمرکز کنید فکر جنگ را با فکر قوی تر صلح مقاومت کنید. فکر نفرت را با فکر قوی تر عشق مقابله نمایید. فکر جنگ هماهنگی و رفاه و آسایش و خوشنودی را زائل کند. فکر عشق، صلح و دوستی و سعادت و برادری را بنیان نهد."^{۱۵} (ترجمه مضمون بیان مبارک)

• و اگر سعی خود را کردید ولی هواهای نفسانی غلبه نماید و اختلاف واقع شود. این بیان حضرت بهاء الله در این لحظات ضعف به ما کمک می کند:

"ان ظهرت كدورة بينكم فانظروني امام وجوهكم و غصوا البصر عما ظهر خالصاً لوجهي و حباً لامري المشرق المنير."^{۱۶} (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: چنانچه کدورتی پیش آید مرا در مقابل خود به نظر آرید و به خاطر روی من و دوستی امر آلهی از آنچه ظاهر شد چشم بپوشید)

• خصلت روحانی خطاپوشی و دیدن صفات خوب و احتراز از غیبت مؤثرترین وسیله برای اجتناب از اختلاف است. بیاد آریم که معمولاً ما اشتباهات نفسی را که دوستشان داریم نمی بینیم و هیچ مشکلی در اغماض خطایای آنان نداریم. حضرت عبدالبهاء می فرماید:

"چشم خطابین نظربه خطا کند اما نظر خطاپوش به خالق نفوس بنگرد. چه که جمیع را او خلق کرده، کل را او می پروراند رزق می دهد جمیع را روح و روان مبذول می فرماید. چشم و گوش عطا می کند لهذا کل آیات قدرت او هستند باید جمیع را دوست داشت به جمیع مهربانی کرد. فقرا را رعایت نمود ضعفا را حمایت کرد مریضان را شفا بخشید نادانان را تعلیم و تربیت نمود."^{۱۷}

حضرت بهاء الله می فرماید:

"ای رفیق عرشی بد مشنو و بد مبین و خود را ذلیل مکن و عویل برمیاری یعنی بدمگوتا نشنوی و عیب مردم را بزرگ مدان تا عیب تو بزرگ ننماید و ذلت نفسی مپسند تا ذلت تو چهره نگشاید پس با دل پاک و قلب طاهر و صدر مقدس و خاطر منزه در ایام عمر خود که اقل از آنی محسوب است فارغ باش تا بفراغت از این جسد فانی بفردوس معانی راجع شوی و در ملکوت باقی مقریابی."^{۱۸}

- اتحاد البتّه عدم کدورت و اختلاف نیست و عشق و محبّت نباید فقط لسانی باشد. وقتی می‌توانیم ادعا کنیم وحدت در جامعه ما موجود است که محبّت ما بیکدیگر به خدمت مبدل گردد و فعالیت‌های ما توأم با روح همکاری و کمک متقابل باشد. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"باری کائنات عمومیّه عالم هریک منفرداً زندگانی می‌توانند. هرشجرى منفرداً نشو و نما نماید بدون اینکه از سایر اشجار مستفید شود. همچنین حیوان منفرداً زندگانی تواند و لکن انسان ممکن نیست. نوع انسان محتاج تعاون و تعاضد است محتاج مراوده و اختلاط است تا کسب سعادت و آسایش کند و راحت و آرایش یابد."^{۱۹}

- مهم‌ترین کلید موفقیت در فعالیت‌های گروهی جامعه مشورت صریح و محبّت‌آمیز در جمیع امور است. در مشورت نظرهای مختلف ما نسبت به یک مطلب در یک نقطه جمع می‌شود و مناسبترین طریقه برای پیاده نمودن برنامه‌های دسته‌جمعی رامی یابیم. با مشورت به وحدت نظر می‌رسیم و با افکار و آراء متحد نقشه‌های جالب و بدیعی جهت پیشرفت جامعه طرح می‌نمائیم. حضرت عبدالبهاء در باره نفوسی که مشورت می‌کنند می‌فرمایند:

"...اعضاء در حین ورود توجه به ملکوت اعلى کنند و طلب تأیید از افق ابهی و در نهایت خلوص و وقار و سکون و آداب در انجمن قرار یابند و بنهایت ادب و ملایمت کلام و اهمیّت خطاب به بیان آراء پردازند. در هر مسئله‌ای تحرّی حقیقت کنند نه اصرار در رأی زیرا اصرار و عناد در رأی منجر بمنازعه و مخاصمه گردد و حقیقت مستور ماند ولی اعضای محترمه باید بنهایت آزادگی بیان رأی خویش نمایند و ابداً جایز نه که نفسی تزییف‌رأی دیگری نماید بلکه بکمال ملایمت بیان حقیقت کند و چون اختلاف آراء حاصل شود رجوع بکثرت آراء کنند و کلّ اکثریت را مطیع و منقاد گردند."^{۲۰}

- وحدت نظر متحقّق نمی‌شود اگر مبدل به وحدت عمل نشود. وحدت عمل به این معنی نیست که همه یک کار را انجام دهیم، بلکه وقتی جامعه نقشه‌ای را با وحدت نظر طرح می‌کند باعث می‌شود از استعدادهاى مختلفه هر فرد در جامعه به بهترین وجه استفاده شود. قوّت ما مضاعف می‌شود و حتی یک جامعه کوچک می‌تواند به موفقیت‌هائی برسد که اکثر مؤسسات قدرتمند عالم قادر به احراز آن نیستند. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"عالم انسانی احتیاج عظیم به همکاری متقابل دارد. هر چه رابطه دوستی و همبستگی قوی تر باشد قدرت سازندگی و کارآئی در زمینه‌های متعدد اقدامات بشری عظیم‌تر خواهد بود."^{۲۱} (ترجمه مضمون بیان مبارک)

تمرین:

۱. پس از اینکه با دقت مطالب فوق را نکته به نکته چندین مرتبه در گروه خود مطالعه نمودید، جملات ذیل را تکمیل کنید تا به شما کمک کند در معانی بیانات مبارکه تأمل کنید:

الف) جملات ذیل را تکمیل کنید:

ضری از برای این امرالیوم اعظم از _____ و نزاع و جدال و کدورت و برودت مابین احباب نبوده و نیست.

ضری از برای این امرالیوم اعظم از فساد و _____ و جدال و کدورت و برودت مابین احباب نبوده و نیست.

ضری از برای این امرالیوم اعظم از فساد و نزاع و _____ و کدورت و برودت مابین احباب نبوده و نیست.

ضری از برای این امرالیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و _____ و برودت مابین احباب نبوده و نیست.

ضری از برای این امرالیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و _____ مابین احباب نبوده و نیست.

ضری از برای این امرالیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و برودت مابین _____ نبوده و نیست.

ضری از برای _____ الیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و برودت ما بین عباد نبوده و نیست.

ب) لیستی از کارهایی را که می‌توانید انجام دهید تا از اختلاف در جامعه جلوگیری شود تهیه کنید.

ج) چطور می‌توانیم مطمئن باشیم که همیشه مردم را دوست داریم و به آنها مهربان هستیم؟ _____

د) در بیان دوم، حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

با یکدیگر در نهایت _____ باشید.

ابداً از یکدیگر _____ نشوید.

خلق را از برای _____ دوست دارید نه برای _____ .
 چون برای _____ دوست می دارید هیچوقت _____ نمی شوید.
 انسان _____ نیست لابد هر انسانی _____ دارد.
 اگر نظر به _____ نمائید همیشه _____ می شوید.
 اما اگر نظر به _____ نمائید برای او همه را _____ می دارید به همه _____ می کنید.

(ه) در بیان سوم حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

از شما _____ هر کدام افکار و قلب خود را در _____ و _____ متمرکز کنید.
 فکر _____ را با فکر قویتر _____ مقاومت کنید.
 فکر _____ را با فکر قویتر _____ مقابله کنید.
 فکر جنگ _____ و _____ و _____ را زائل می کند.
 فکر عشق _____ و _____ و _____ را بنیان نهد.

(و) اگر اختلافی بین شما و دیگر اعضای جامعه ایجاد شد چکار می کنید؟

(ز) شرح دهید کدام آداب روحانی به ایجاد وحدت در جامعه کمک می کند؟

(ح) آیا این کارها مطابق تعالیم حضرت بهاء الله است:

- | | |
|-------------------------------|--|
| <input type="checkbox"/> بله | <input type="checkbox"/> نظر به قصور دیگران. |
| <input type="checkbox"/> نخیر | <input type="checkbox"/> اغماض از خطای دیگران. |
| <input type="checkbox"/> بله | <input type="checkbox"/> اطلاع دادن به محفل روحانی از خطای یکی از افراد جامعه. |
| <input type="checkbox"/> نخیر | <input type="checkbox"/> نظر دادن راجع به خطای فردی به فرد دیگر. |
| <input type="checkbox"/> بله | <input type="checkbox"/> قصه را تغییر دادن و غلو نمودن به منظور بد جلوه دادن فردی. |
| <input type="checkbox"/> نخیر | <input type="checkbox"/> فکر کردن در مورد اشتباهات دیگران. |

ط) چرا از اشتباهات بعضی‌ها انتقاد می‌کنیم و لکن از بعضی دیگر که همان اشتباه را انجام می‌دهند انتقاد نمی‌کنیم. _____

ی) آیا ممکن است میان افرادی که از یکدیگر غیبت می‌کنند وحدت به وجود آید؟ چرا نه؟ _____

ک) اگر عمداً در باره فردی دروغ بگوئیم البته اشتباه است. ولی اگر از کسی جلوی دیگران در مورد عمل اشتباهی که آن فرد انجام داده است عیب‌جوئی و انتقاد کنیم آیا درست است؟ _____

ل) غیبت چه تأثیری در ترقی روحانی افرادی که این عمل را انجام می‌دهند دارد؟ _____

م) فرق بین غیبت و سخن‌چینی و انتقاد چیست؟ _____

ن) چگونه می‌توانیم این عادت‌های ناپسند را از زندگی خود محو نمائیم؟ _____

س) اگر شخصی اشتباهات شخص دیگری را جلوی ما بیان کرد چکار کنیم؟

ع) وقتی می‌دانیم یک شخص بهائی کار اشتباهی را انجام می‌دهد، مثلاً دروغ می‌گوید و یا دزدی می‌کند آیا باید سکوت کنیم حتی اگر می‌دانیم که این عمل او به دیگران لطمه می‌زند؟ اگر سکوت نکنیم پس چه باید بکنیم؟

ف) چه تأثیری غیبت و سخن چینی در جامعه بهائی دارد؟

ص) چه می‌شود اگر راجع به مردم طوری صحبت کنیم مثل اینکه آنها حاضرند؟

ق) اگر در مقابل بچه‌ها راجع به عیوب دیگران صحبت کنیم چه تأثیری بر آنها خواهد گذاشت؟

ر) چرا فکر می‌کنید ما این تمایل را داریم که راجع به دیگران غیبت کنیم؟

ش) محبت فقط با زبان اظهار نمی‌شود، به چه چیز دیگر احتیاج دارد؟

ت) مهم‌ترین رمز موفقیت در فعالیت‌های یک جامعه چیست؟

برخی از موانع اصلی موفقیت در فعالیت‌های جامعه را نام ببرید؟

ث) این جملات را از بیانات مبارکه فوق راجع به مشورت تکمیل کنید.
اعضاء در حین ورود توجه _____ کنند و طلب تأیید از _____ و در نهایت _____ و _____ و
_____ در انجمن قرار یابند و بنهایت _____ و _____ و _____ بیان آراء پردازند. در
هر مسئله‌ای _____ کنند نه _____ در رأی زیرا اصرار و عناد در رأی منجر _____ و _____ گردد
و حقیقت _____ ماند ولی اعضای محترمه باید بنهایت _____ بیان رأی خویش نمایند و ابدأ جایزه
که نفسی _____ دیگری نماید بلکه بکمال _____ بیان _____ کند و چون اختلاف آراء حاصل
شود رجوع _____ آراء کنند و کلّ اکثریت را _____ و _____ گردند.

۲. لیستی از فعالیت‌های امری را که احباء با روح همکاری می‌توانند انجام دهند تهیه نمایند.

۳. لیستی از اسامی دوستان بهائی خود تهیه کنید و در باره اینکه چگونه می‌توانید به هریک در خدمات امری او کمک نمائید فکر کنید.

بخش پنجم

موضوع مطالعه برای ملاقات بعدی با خانواده سعادتى ضمن مشورت و صحبت در موضوع وحدت جامعه برایتان روشن می‌شود. بخصوص وقتی راجع به وحدت در جامعه بهائى صحبت می‌کردید، خانم سعادتى اشاره کردند که برای ایجاد وحدت در جامعه، بهائیان باید جلسات بیشتری منعقد نمایند و با هم به دعا و مناجات و زیارت آثار مبارکه پردازند و آقای سعادتى اظهار نمودند که اتحاد فقط این نیست که از مصاحبت با یکدیگر لذت ببریم، بلکه مستلزم آنست که در کار و سازندگی با هم شریک باشیم و اضافه نمودند که "پروژه‌های جامعه احتیاج به پول دارد و من نمی‌دانم چرا تا به حال کسی به ما نگفته است که باید به امر تبرع کنیم. درست است که ما خیلی پولدار نیستیم، ولی برای کلیسا قبلاً تبرع می‌دادیم و آنها اشکالی در قبول تبرعات ناچیز ما نداشتند." با در نظر گرفتن این مطالب، تصمیم می‌گیرید خود را برای موضوع ضیافت نوزده روزه و تبرعات آماده کنید. در حقیقت چون مریم تا چند هفته دیگر نزد پدر و مادر بزرگش خواهد بود از او می‌پرسید که آیا مایلست مطالبی راجع به تبرعات در جلسه بعد بیان کند، او هم با اشتیاق قبول می‌نماید و شما به او کمک می‌کنید تا نطقی تهیه کند.

بعد از اینکه همه حاضران آماده گشتند رو به جمع کرده می‌گوئید آنچه خانم سعادتى راجع به جلسات فرمودند خیلی مهم است و با اجازه شما می‌خواهم مطالبی راجع به جلسات بهائى مخصوصاً ضیافت نوزده روزه مطرح کنم و همچنین راجع به مسئله‌ای که جناب سعادتى در مورد تبرعات اشاره فرمودند، از مریم خواهش شده که مطالبی تهیه کند که همه بدقت به آن مطالب گوش داده سپس مشورت می‌کنیم. بعد شما مطالب خود را راجع به جلسات بهائى با استناد به بیانات مبارکه ارائه داده به گروه کوچک خود کمک می‌نمائید تا در معنی این بیانات بحث و مشورت نمایند. در این اینجا بعضی از نکاتی که شما در تهیه مطالب خود در نظر خواهید گرفت ذکر می‌شود:

- در جامعه بهائى غالباً احباً به علل مختلف، جهت دعا و مناجات، مطالعه امر، تبلیغ امرالله، برگزاری جشن‌ها و جلسات متعدد مشورت در امور مختلف، طرح نقشه‌ها و پروژه‌های تبلیغی، انجام نقشه‌ها و پروژه‌ها و مشورت در مورد آنچه از فعالیت‌های جمعی خود آموخته‌اند و نحوه بهبود آن، با یکدیگر و با دیگران دور هم جمع می‌شوند. البته گاهی هم یاران فقط برای ایجاد محبت و همبستگی و سرور و شادی از دیدار یکدیگر، با هم ملاقات می‌کنند. مهم آن است که همیشه متذکر باشیم که جلسات امری در اصل روحانی است و لذا دارای تأثیر و قوه روحانی می‌باشد. حضرت بهاءالله می‌فرماید:

"قسم به اسم اعظم در هر محلی که دوستان جمع شوند و به تمجید حق پردازند ارواح مخلصین و

ملائکه مقربین طواف خواهند نمود." ۲۲

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید:

"هر محفلی که بجهت اتحاد و اتفاق تشکیل گردد سبب شود بیگانگان آشنا گردند و اغیار یار شوند و عبدالبهاء بجان و دل در آن محفل حاضر." ۲۳

- تشکیل این جلسات روحانی هر قدر هم کوچک باشد، برکات لانهایه شامل حال منازل یاران می‌نماید. حضرت عبدالبهاء خطاب به یکی از احباء فرمودند:

"ازقرار مسموع شما را نیت چنان که خانه خویش را گاهی با اجتماع بهائیان مزین نمائید تا بعضی به تمجید ربّ مجید پردازند... این قدر بدان که اگر چنین بنمائی آن خانه ترابی آسمانی گردد و آن هیكل سنگی محفل رحمانی شود."^{۲۴}

- قرائت قسمت‌هایی از بیانات مبارکه در اجتماع احباء منبع شادی و سرور است و برای پیشرفت امر لازم و ضروریست. حضرت بهاءالله تأکید می‌فرمایند:

"باید اولیاء در هر دیار بحکمت و بیان در محافل و مجالس جمع شوند و آیات الهی را قرائت نمایند چه که آیات محدث نار محبت است و مشعل آن."^{۲۵}

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"محافل تشکیل دهید و تعالیم الهیه قرائت و تلاوت کنید تا آن مدینه به نور حقیقت روشن شود و آن کشور به قوه روح القدس فردوس برین گردد زیرا این دور دور ربّ جلیل است و آهنگ وحدت و یگانگی عالم انسانی باید به گوش شرق و غرب رسد."^{۲۶} (ترجمه)

- مذاکرات یاران در جلسات بهائی باید حصر در امور روحانیه و ترویج امرالله شود. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"الیوم تکلیف جمیع اینست که جمیع اذکار را فراموش نمایند و هر واقعه‌ای را نسیان کنند... یعنی جمیع فکر و ذکر را حصر در تبلیغ امرالله و ترویج دین الله و تشویق بر صفات حقّ و تحریص بر محبت خلق و تنزیه در جمیع شئون و تقدیس باطن و ظاهر و پاکي و آزادگی و اشتعال و انجذاب نمایند."^{۲۷}

- از بین تمام جلسات امری، ضیافت ۱۹ روزه که هر ۱۹ روز یکبار تشکیل می‌شود دارای اهمیت خاصی است. تقویم بهائی ۱۹ ماه دارد که هر ماه ۱۹ روز است و حضرت بهاءالله بنفسه بر همه واجب نمودند که این جلسه ماهیانه را تشکیل دهند چنانچه می‌فرمایند:

"قد رقم علیکم الضیافه فی کلّ شهر مرّة واحدة ولو بالماء. ان الله اراد ان یؤلّف بین القلوب ولو باسباب السّموات والارضین."^{۲۸} (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: واجب است که در هر ماه یکبار ضیافتی ولو به آب پذیرائی کنید بر پا دارید اراده خداوند اینست که حتی به اسباب زمین و آسمان بین قلوب محبت ایجاد کند.)

- ضیافت نوزده روزه شامل سه قسمت می‌باشد. اول قسمت روحانی است که ضمن آن، دعا و مناجات تلاوت می‌شود و قسمت‌هایی از آیات الهی قرائت می‌گردد. دوم قسمت اداری است که در این قسمت احباء در امور جامعه مشورت می‌کنند. قسمت سوم ملاقات و دیدار احباء است.

- از بیانات حضرت عبدالبهاء که ذیلاً نقل می‌شود، به اهمیت قسمت روحانی ضیافت ۱۹ روزه پی می‌بریم:

”ای بندگان صادق جمالقدم در هر کور و دوری ضیافت مقبول و محبوب و تمدید مانده به جهت احبای الهی ممدوح و محمود علی‌الخصوص در این دور عظیم و کور کریم که نهایت ستایش را دارد زیرا از محافل ذکرالله و مجالس پرستش حق فی الحقیقه شمرده می‌شود چه که در مجالس ضیافت آیات الهیه تلاوت می‌گردد و قصائد و محامد و نعوت الهیه خوانده می‌شود و نفوس در نهایت انجذاب مبعوث می‌گردد.“^{۲۹}

- در قسمت اداری ضیافت، احباء گزارش فعالیت‌های جامعه‌های بهائی دور و نزدیک را می‌شنوند، راجع به امور مختلفه امری در جامعه خود مشورت می‌کنند، در پیشرفت امور جامعه نظر می‌دهند، با هدایت‌های واسله از بیت‌العدل اعظم آشنا می‌شوند و به محفل روحانی محلی پیشنهادات خود را ارائه می‌دهند که در صورت لزوم به محفل مقدس ملی و یا بیت‌العدل اعظم فرستاده شود. مشورت در ضیافت ۱۹ روزه بسیار مهم است زیرا بدین وسیله هر فرد در فعالیت‌های جامعه جهانی بهائی شرکت می‌کند.

- اما قسمت اجتماعی ضیافت وقت ملاقات و الفت و محبت و مهمان‌نوازی است و می‌توان از موسیقی و نطق‌های کوتاه تشویق‌آمیز استفاده نمود. کودکان هم می‌توانند برنامه‌هایی اجراء کنند و برنامه‌های کوتاه فرهنگی شاد و مناسب که موجب روح و ریحان این قسمت ضیافت شود نیز می‌توان ارائه داد.

- ضیافت نوزده روزه یکی ویژگی‌های ممتاز نظم اداری بهائی است که جنبه‌های روحانی و اداری و اجتماعی حیات جامعه را با هم جمع می‌کند. برای موفقیت ضیافت لازم است به همه این قسمت‌ها به طور مساوی اهمیت داده شود و توازن بین این سه قسمت در نظر گرفته شود. بیت‌العدل اعظم الهی در پیام مورخ آگست ۱۹۸۹ خطاب به پیروان حضرت بهاءالله در سراسر عالم می‌فرمایند:

”نظم جهانی حضرت بهاءالله جمیع واحدهای جامعه بشری را در بر می‌گیرد جنبه‌های روحانی، اداری و اجتماعی زندگانی را با یکدیگر تلفیق می‌بخشد و مجهودات متنوعه بشری را بسوی ایجاد تمدنی جدید هدایت می‌کند. ضیافت نوزده روزه حائز جمیع این جنبه‌ها در سطح پایه و اساس جامعه است و تأسیسی است که در هر روستا و قصبه و شهری که اهل بهاء در آن سکونت دارند فعالیت دارد و مقصود از ضیافت نوزده روزه ترویج وحدت و تأمین پیشرفت و ایجاد فرح و سرور است.“^{۳۰}

- جلسه مهمی مثل ضیافت نوزده روزه را نمی‌شود با اجراء سریع چندبرنامه تمام کرد. هر فرد بهائی با توسل به دعا و مناجات باید از نظر روحانی خود را قبل از ضیافت آماده کند و در حین ضیافت هر یک باید قلباً و روحاً مشارکت نمایند، چه از طریق زیارت آیات الهی در قسمت روحانی و یا استماع بیانات مبارکه و چه از دادن گزارشات و دریافت هدایت‌ها و یا ارائه پیشنهادات، چه به عنوان میزبان جلسه و یا به عنوان مهمانانی که با شادی و سرور از مهمان‌نوازی لذت می‌برند. بیت‌العدل اعظم در پیام مذکور راجع به ضیافت نوزده روزه می‌فرمایند:

"جنبه‌های مهمّ تهیهّ مقدمات ضیافت نوزده روزه شامل انتخاب الواح و آثار مناسب برای قسمت روحانی، تعیین قبلی مجریان برنامه و در نظر گرفتن افرادی است که بتوانند مناجات‌ها و آثار مبارکه را بخوبی و درستی تلاوت کنند. رعایت ادب و احترام چه در نحوهّ تلاوت و زیارت آثار مبارکه و چه در نحوهّ استماع آثار مزبور و همچنین مراعات نظافت و آراستگی محیطی که در آن ضیافت نوزده روزه تشکیل می‌شود، اعم از اینکه در داخل ساختمان برگزار گردد و یا در فضای باز، در ایجاد روح و ریحان در بین احباء مؤثر است. وقت‌شناسی در اجرای برنامه نیز از مسائلی است که رعایت آن در ترتیب دادن ضیافت لازم است.

"موفقیت ضیافت نوزده روزه تا میزان زیادی منوط و موکول به کیفیت آماده‌کردن و تهیهّ مقدمات و مشارکت افراد در ضیافت است. حضرت عبدالبهاء چنین راهنمایی و توصیه می‌فرمایند: "مجالس نوزده روزه را بسیار اهمیت دهید تا یاران الهی و اماءالرحمن توجه به ملکوت نمایند و به ترتیل مناجات پردازند و طلب تأیید کنند و منجذب به محبت یکدیگر گردند و بر تنزیه و تقدیس و تقوی و مقاومت نفس و هوی بیفزایند از عالم عنصری مجرد شوند و در احساسات روحانی مستغرق گردند." ۳۱

تمرین :

۱. مثل همیشه قسمت‌های فوق را چندین مرتبه در گروه خود بخوانید و راجع به آنها بحث کنید تا بتوانید به زبان خود تعریف کنید. تمرین ذیل به شما کمک می‌کند که در معانی دقیق بیانات مبارکه فوق تأمل کنید:

الف) هر محلی که دوستان جمع شوند و به تمجید حق پردازند دارای چه مشخصاتی خواهد بود؟ _____

- ب) جلساتی که به هدف وحدت و اتحاد تشکیل می‌شود چه تأثیراتی در بر دارد؟ _____

(ج) حضرت عبدالبهاء اشاره می‌فرمایند که خانه‌ای که گهگاه دوستان برای دعا و مناجات در آن جمع شوند "خانه آسمانی" می‌گردد. عبارت "خانه آسمانی" چه تصویری در ذهن شما مجسم می‌سازد؟ _____

(د) وقتی در جلسه‌ای دور هم جمع می‌شویم می‌بایست:

- _____ و _____ جمع شویم
- _____ قرائت کنیم
- _____ جمیع اذکار را _____ و هر واقعه‌ای را _____ کنیم
- _____ یعنی جمیع فکر و ذکر را حصر در _____ و تشویق بر _____ و تحریص بر _____ و _____ در جمیع شئون و _____ باطن و ظاهر و _____ و _____ و _____ نمائیم.

(ه) در تقویم بهائی چند ماه وجود دارد؟ _____

(و) در ماه بیانی چند روز وجود دارد؟ _____

(ز) چه اجتماع مهمی در هر ماه بیانی تشکیل می‌شود؟ _____

(ح) سه قسمت ضیافت ۱۹ روزه را نام ببرید؟ _____

(ط) آیا سه قسمت ضیافت به ترتیب خاصی اجراء می‌گردد؟ _____

(ی) هدف از قسمت روحانی ضیافت چیست؟ _____

(ک) هدف از قسمت اداری ضیافت چیست؟ _____

ل) هدف از قسمت اجتماعی ضیافت چیست؟

- م) کدام یک از موارد ذیل مناسب است که در قسمت اداری ضیافت اجرا شود:
- | | | |
|------------------------------|-------------------------------|---|
| <input type="checkbox"/> بله | <input type="checkbox"/> نخیر | پیشرفت امور پروژه تبلیغی محلی. |
| <input type="checkbox"/> بله | <input type="checkbox"/> نخیر | احتیاجات صندوق خیریه. |
| <input type="checkbox"/> بله | <input type="checkbox"/> نخیر | اهداف تیم مسابقه فوتبال ملی. |
| <input type="checkbox"/> بله | <input type="checkbox"/> نخیر | نحوه حل اختلاف بین دو عضو در جامعه. |
| <input type="checkbox"/> بله | <input type="checkbox"/> نخیر | برنامه تنظیمی برای اعضاء جامعه جهت نظافت حظیره القدس. |
| <input type="checkbox"/> بله | <input type="checkbox"/> نخیر | اهداف مهاجرتی که محفل مقدس ملی تعیین نموده است. |
| <input type="checkbox"/> بله | <input type="checkbox"/> نخیر | تعلیم و تربیت کودکان جامعه بهائی. |
| <input type="checkbox"/> بله | <input type="checkbox"/> نخیر | تعلیم و تربیت کودکان شهر و یا ده. |
| <input type="checkbox"/> بله | <input type="checkbox"/> نخیر | توضیح قسمتی از بیاناتی که یکی از اعضاء جامعه در هفته قبل مطالعه کرده و درک نکرده است. |

۲. درباره این سؤال در گروه خود مشورت کنید: چرا توازن در سه قسمت ضیافت خیلی مهم است؟

۳. سؤالات ذیل را مورد مذاکره قرار دهید:

الف) چطور خود را برای ضیافتی که میزبان آن هستید آماده می کنید؟

ب) چطور خود را برای ضیافتی که در آن فقط شرکت می کنید آماده می کنید؟

۴. بنا بر آنچه گذشت، شما موضوع مشورت را بر مبنای مطالبی که آقا و خانم سعادت در جلسه قبل بیان کردند انتخاب نمودید و بدین ترتیب یکی از مهم ترین صفات مبلغ بهائی را ظاهر نمودید و برای شاگردان خود مستمع خوبی بودید و حقایق موجود در بیانات مبارکه را که مناسب با احتیاج و علاقه آنان است استخراج نمودید. بعضی از صفات روحانی یک مستمع خوب را که به نیازهای دیگران اهمیت می دهد ذکر کنید.

بخش ششم

بحث مطّول و عمیق شما راجع به جلسات امری و ضیافت ۱۹ روزه وقت کمی برای صحبت در مورد تبرّعات باقی گذاشت. مریم که از مطالب ارائه شده بسیار به شوق آمده بود، پیشنهاد نمود موضوع خود را به جلسه بعد موکول کند، چون چند روز دیگر در منزل پدر بزرگ و مادر بزرگش اقامت دارد. این پیشنهاد خیال شما را راحت نمود و به شما فرصت داد تا یکبار دیگر راجع به مطالبی که او در نظر داشت ارائه دهد مطالعه نمایید.

مدنیّتی که ما بهائیان در ساختن آن می‌کوشیم از نظر مادی و معنوی بسیار شکوهمند خواهد بود. ثروت وقتی مقبول است که تحت شرایطی باشد. ثروت باید از طریق کار و زحمت کسب شود و صرف رفاه و آسایش گردد و تمامی جامعه باید به ترقی و رفاه نائل گردند، نه اینکه تعداد قلیلی فوق العاده غنی بوده اکثریت نیازمند مایحتاج اولیه زندگی باشند.

برای ساختن جامعه‌ای آزاد از ظلم و فقر، همه باید کریم و بخشنده باشیم. هر قدر هم که فقیر باشیم باید برای پیشرفت جامعه کمک نمائیم، زیرا رفاه و آسایش واقعی از طریق بخشش و عطا حاصل می‌شود. بخشش صفت روح انسانی است و ارتباطی به درجه فقر و ثروت ندارد. حضرت بهاء الله در کلمات مکنونه می‌فرمایند:

"الکرم و الجود من خصالی فهنیئاً لمن تزین بخصالی." (مضمون بیان مبارک بفارسی چنین است:

بخشش و عطا از صفات من است و خوشا بحال کسی که به صفات من متّصف باشد).

باید بیاد آریم که منبع حقیقی ثروت ما خداوند کریم و بخشنده است. او وسائل حیات ما را تأمین می‌کند، امکان پیشرفت ما را فراهم می‌سازد و وقتی تبرّعات تقدیم می‌کنیم قسمتی از آنچه را به ما عطا کرده برای امرش صرف می‌کنیم. بنابراین تقدیم تبرّعات به صندوق امر نه تنها نشانه سخاوت است، بلکه فیض روحانی و مسئولیت مهم فردی نیز می‌باشد. حضرت ولی امرالله فرموده‌اند، مانند چشمه آبی باشیم که مرتباً خود را از آنچه که دارد خالی می‌کند و دائماً از منبعی نامرئی پر می‌شود.

صندوق‌های خیریه مختلفی موجود است که هر کدام به فعالیت‌های امری در سطوح مختلف کمک می‌کند. بنابراین ما صندوق محلی، ملی، قاره‌ای و بین‌المللی داریم. افتخاری است برای هر فرد بهائی که به این صندوق‌ها کمک کند و این حق مخصوص بهائیان می‌باشد. کمک به صندوق‌های خیریه امریست اختیاری و سرّی بین افراد و مؤسّسات امری و تبرّع یاران در جامعه اعلان نمی‌گردد. همچنین بعضی از عادات مرسوم در ادیان دیگر که برای پرداخت تبرّعات بر پیروان فشار وارد می‌شود، دردیانت بهائی وجود ندارد. مؤسّسات به صورت عمومی به احباء ابلاغ می‌کنند و از اهمیت تبرّعات آگاهشان می‌سازند و احتیاجات صندوق‌های خیریه را با آنان در میان می‌گذارند. غالباً جامعه برای میزان تبرّعات خود هدفی تعیین می‌کند. ولی مبالغ برای هر فرد در جامعه مشخص نمی‌شود و پول درخواست نمی‌گردد، بلکه بر عهده احبّاست که هر کدام مبلغی به هریک از صندوق‌های مختلفه، بر طبق درک خود از اصول مربوطه، تقدیم نمایند.

"اگر کسی به ما نگوید چقدر باید تبرع کنیم. ممکن است از خود سؤال کنیم، پس از کجا خواهیم دانست چقدر باید بپردازیم؟ چطور بدانیم که خداوند از نحوه پرداخت ما راضی است یا خیر؟" جواب این سؤال در عبارت "سرفداکاری" نهفته است. در دیانت بهائی یک سگه تبرع از شخصی قلیل‌المال می‌تواند به اندازه مبلغی سنگین که توسط شخصی غنی تقدیم می‌گردد ارزش و اهمیت داشته باشد. چیزی که ارزش تبرع را تعیین می‌کند میزان فداکاری و از خودگذشتگی است که در پرداخت صورت گرفته‌است، البته هیچکس نمی‌تواند در باره میزان فداکاری دیگری قضاوت کند و هر یک از ما باید در حین پرداخت تبرعات قلباً در باره کیفیت فداکاری بیاندیشیم.

وقتی در راه امرگذشت و فداکاری می‌کنیم باید متذکر باشیم که به خدا نفعی نمی‌رسانیم و حقّ به ما نیازی ندارد. مبالغی که در این راه تقدیم می‌کنیم برای ساختن دنیای بهتری است و این یکی از مسئولیت‌های ما در قبال جامعه محسوب می‌گردد. گذشت و فداکاری یعنی فداکردن امور ناچیز برای اهدافی برتر. فداکاری مستلزم مشقت است ولی در حقیقت موجب سرور و سعادت حقیقی است. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"سرفدا این است که انسان جمیع دارائی خود را فدای مقام الهی کند. مقام خداوندی رحمت است، مهربانی است، عفو و اغماض است، از خودگذشتگی است فضل و بخشش و دمیدن حیات به ارواح و فروختن نار محبت‌الله در قلوب و رگ‌هاست." ۳۳ (ترجمه)

تمرین:

۱. برای کمک به مریم در تهیه نطقش راجع به تبرعات، شما لزوم رعایت ترتیب منطقی سلسله افکار را به او تذکر می‌دهید تا در تهیه مطالب خود مورد توجه قرار دهد. لطفاً ترتیب سلسله افکار را در موضوع فوق بنویسید.

۲. با کمک سرپرست گروه خود، نطقی کوتاه راجع به موضوع "بخشش اساس روحانی سعادت و رفاه است" تهیه کنید.

بخش هفتم

دیدار مستمر شما از منازل مقبلین جدید منبع شادی و سرور فراوان بوده است. البته همه خانواده‌ها مانند خانواده سعادت‌ی به مباحث تزئید معلومات علاقه نشان نداده‌اند. در حقیقت یکی از خانواده‌ها واضحاً به شما اظهار نمودند که اقبالشان به امر خیلی سریع انجام گرفته و می‌خواهند که آنها را تنها بگذارید. دو یا سه نفر از این مؤمنین جدید نیز قبل از اینکه شما فرصتی پیدا کنید آنها را خوب بشناسید منطقه را ترک نمودند. ولی شما موفق شدید به تعدادی از افراد کمک کنید که در امر الهی عمیق شوند و به چشم خود ناظر نتایج مفید فعالیت‌های تبلیغی مستمر و منظم بوده‌اید.

در حالیکه از نتایج اقدامات خود خوشنود هستید، تصمیم می‌گیرید دست به اقدام مهمی بزنید که به مؤمنین جدید کمک کند تا کمتر متکی به ملاقات‌های شما باشند. از خود می‌پرسید: "آیا وقت آن نیست که جلسات مستمر هفتگی تشکیل شود و این تازه تصدیقان با بقیه احباء آشنا شوند و با هم بیانات مبارکه را مطالعه کنند؟ زیرا تا این یاران ارتباط مستقیم با بیانات مبارکه نداشته‌باشند و در جامعه ممزوج نشوند هیچوقت نخواهند توانست راه خدمت را به تهائی طی نمایند." وقتیکه با تعدادی از خانواده‌ها مشورت می‌نمائید آنها نظر شما را تأیید می‌کنند و خانم سعادت‌ی با اشتیاق می‌گوید: "بله وقت آن رسیده که به پیش رویم و جلسه اول را در منزل ما تشکیل خواهیم داد."

در روز معین هفت نفر در منزل آقای سعادت‌ی جمع می‌شوند. شما از کمی تعداد حاضرین اندکی ناامید می‌شوید، ولی چون مذاکرات را در باره جلسات امری بیاد می‌آورید، متذکر می‌شوید که چون جلسات در فضای روحانیت حقیقی تشکیل شود، افراد دیگر نیز جلب خواهند شد. ولی چگونه می‌توانید مطمئن شوید که این محیط روحانی به وجود آمده است و ادامه خواهد داشت؟ در ملاقات‌های مقبلین جدید در منازلشان، در واقع مذاکرات بین شما و دو یا سه نفر دیگر مطرح بود و تا حدی می‌توانستید به راحتی جهت مذاکرات را اداره کنید. اما در این جلسات باید به شرکت کنندگان اجازه دهید بدون مداخله زیاد شما با یکدیگر تبادل نظر نمایند. ولی در عین حال متوجه هستید که بالاخره یک نفر باید مشورت‌ها را اداره کند تا بی نظمی و اغتشاش به وجود نیاید. باز به خود می‌گوئید: "باید ایمان داشته باشیم که امور بخوبی پیش خواهد رفت. ضمن عمل یاد خواهیم گرفت و تا مادامی که مشورت ما بر مبنای بیانات مبارکه است حتماً به هدف خواهیم رسید."

بیاناتی که در این قسمت انتخاب کرده‌اید همه راجع به تبلیغ است. و امیدوارید که در انتهای قسمت اول هر یک از شرکت‌کنندگان تصمیم قاطعی در مورد قیام به تبلیغ اتخاذ نمایند. مثل همیشه بیانات را با دقت بر اساس تسلسل منطقی افکار انتخاب نموده‌اید تا به شرکت کنندگان امکان دهد به عمق مطلب پی برند. موضوع تبلیغ بسیار وسیع است و در این قسمت بیش از چند نکته مهم که باعث تشویق و ترغیب دوستان می‌شود ذکر نخواهید نمود. البته می‌دانید در اداره بحث باید انعطاف‌پذیر باشید زیرا شور و شوق دوستان ممکن است شما را از ادامه تسلسل در افکاری که انتخاب کرده‌اید دور کند:

- هدف از تبلیغ اینست که قلوب مردم را با کلید بیان به سوی حضرت بهاءالله بگشاییم. حضرت بهاءالله می‌فرماید:

"بل اراد لنفسه مدائن القلوب ليظهرهم عن دنس الارض و يقربهم الي مقر الّذي كان عن مسّ المشركين محفوظا ان افتحوا يا قوم مدائن القلوب بمفاتيح البيان و كذلك نزلنا الامر علي قدر مقدورا."^{۳۴} (مضمون بیان مبارک بفارسی چنین است: خداوند اراده فرموده است که مدائن قلوب را برای خودش از آلودگی زمین پاک سازد و آنها را بجائی نزدیک کند که از دسترس مشرکین محفوظ مانند ای مردمان! کشور دل‌ها را با کلیدهای بیان بقدر مقدور فتح کنید.)

- اعظم قوه در این دنیا قوه کلمه الله است. در تبلیغ قوه خلاقه کلمه الله در روح شنونده نفوذ کرده و شخص را منقلب می‌نماید. حضرت بهاءالله می‌فرماید.

"كلما يخرج من فمه انه لمحیی الابدان لو انتم من العارفين"^{۳۵} (مضمون بیان مبارک بفارسی چنین است: آنچه از لسان او (مظهر امر) صادر شود موجب حیات نفوس است.)

- تبلیغ وظیفه مقدسی است که از طرف حضرت بهاءالله بر همه مؤمنین واجب شده است. حضرت بهاءالله می‌فرماید:

"قد كتب الله لكل نفس تبلیغ امره و الّذي اراد ما امر به ينبغي له ان يتصف بالصفات الحسنه اولاً ثم يبلغ الناس لتتجذب بقلوبه قلوب المقبلين و من دون ذلك لا يؤثر ذكره في افئدة العباد."^{۳۶} (مضمون بیان مبارک بفارسی چنین است: تبلیغ امر الهی بر هر نفسی واجب است و کسی که می‌خواهد به این امر بپردازد باید اول خود را به صفات حسنه متصف سازد سپس به تبلیغ مشغول شود تا اینکه گفتار او موجب انجذاب قلوب گردد، در غیر اینصورت ذکر او در دل عباد مؤثر نخواهد شد.)

- مبلغ امرالله مانند شمع افروخته است که نور معرفت را بجمیع اطراف منتشر می‌سازد. حضرت عبدالبهاء به یکی از زائرین می‌فرماید:

"انتظار من از این محفل آن است که ببینم از نار محبت الله چون شمع افروخته و چون پروانه بال و پرسوخته از شدت عشق و انجذاب مانند ابرگریبان و چون چمن خندان و چون نهال از نسائم جنت ابهی خرم و شادان."^{۳۷} (ترجمه)

- مبلغ امرالله باید مانند ریح پیام حضرت بهاءالله را در جمیع اطراف منتشر نماید. حضرت بهاءالله می‌فرماید:

"مثل اریاح باش در امر فالق الاصباح چنانچه مشاهده می‌نمائی که اریاح نظر بمأموریت خود بر خراب و معمور مرور می‌نماید. نه از معمور مسرور و نه از خراب محزون و نظر به مأموریت خود داشته

و دارد. احبّاء حقّ هم باید ناظر باصل امر باشند و به تبلیغ آن مشغول شوند لله بگویند و بشنوند. هرنفسی اقبال نمود آن حسنه باو راجع و هر نفسی که اعراض نمود جزای آن به او واصل.^{۳۸}

• مشتعل بنار محبّت، شخص مبلّغ با نیروئی خستگی ناپذیر در سبیل الهی سعی و کوشش می کند. حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"چون رحمت الهی را که پیوسته شامل است، مسألت نمائی قوت توده برابر شود. به این عبد نظر کن چقدر ضعیف هستم و لکن این قوت به من عنایت شده است که در جمع شما حاضر شوم. بنده ای هستم مستمند و حقیر که توانسته است این پیام را به شما برساند. من با شما خیلی نخواهم بود نباید ابدأ به ضعف خود ناظر باشید. این قوه محبّت روح القدس است که نیروی تبلیغ عطا می کند. چون به ضعف و ناتوانی خود ناظر باشیم ناامید و مأیوس گردیم باید افکار ما عالی تر از امور دنیوی باشد و از امور جاریه منقطع شده آرزوی امور روحانی نمائیم. نظر به رحمت بی پایان حیّ قدیر کنیم که روح ما را از شوق خدمت به فرمان او که "بیکدیگر مهربان باشید" شاد و مستبشر می سازد.^{۳۹}" (ترجمه)

• باید با شجاعت و اطمینان به تبلیغ امرالله قیام کنیم. شک و تردید به خود راه ندهیم و درنگ جایز نشمریم. حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"پس زبان بگشائید و بکمال شجاعت در هر محفلی صحبت بدارید. در وقت خطاب اول توجه به بهاءالله نمائید و تأییدات روح القدس بخواهید و زبان بگشائید و آنچه بر قلب شما القاء می شود بیان نمائید ولی در نهایت شجاعت و متانت و وقار. امیدوارم که محافل شما روز بروز اتساع یابد و طالبان حقیقت استماع دلیل و برهان نمایند. و من بدل و جان در هر محفل با شما هستم مطمئن باشید.^{۴۰}"

و حضرت ولی امرالله می فرمایند:

"مبلّغ بهائی باید در نهایت اطمینان باشد قوت و رمز موفقیت او در اطمینان او است. فریداً وحیداً هر قدر عدم توجه اطرافیان زیاد باشد باید ایمان داشته باشید که جنود ملکوت با شما هستند و نصرت نمایند تا بر لشکر ظلمات که به مقاومت امرالله قیام نموده غالب شوید علیهذا استقامت کنید، خوشحال و مطمئن و متیقن باشید.^{۴۱}" (ترجمه)

تمرین:

۱. همیشه قسمت مهمی از حیات بهائی شما شرکت در جلسات و مطالعه و مشاوره در خصوص آثار مبارکه خواهد بود. به اتفاق اعضاء گروه خود جلسه ای تشکیل دهید و موضوع تبلیغ را بر اساس نصوص و مطالب فوق مطرح نمائید. در اینجا بعضی از نظریات و افکار مهمی که ضمن این مشاورات بدست آمده ذکر کنید.

۲. یکی از نتایج این جلسات این است که شرکت کنندگان تصمیمات محکمی راجع به فعالیت‌های آینده خود در میادین خدمت اتخاذ می‌نمایند. تصمیماتی را که شرکت کنندگان گروه شما گرفته‌اند در قسمت ذیل بنویسید.

مراجع

۱. حضرت بهاء الله، کلمات مکنونه عربی شماره ۴
۲. حضرت بهاء الله، نماز صغیر.
۳. حضرت بهاء الله، منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله شماره ۴ ص ۱۲
۴. مأخذ بالا، شماره ۱۳۴، ص ۱۸۶
۵. مأخذ بالا، شماره ۴۵، ص ۷۱
۶. حضرت عبدالبهاء، مجموع مناجات‌ها (آلمان ۱۹۹۲) ص ۲۳۵.
۷. مأخذ بالا، ص ۵۳.
۸. مأخذ بالا، ص ۵۳.
۹. حضرت بهاء الله، مجموعه اذکار و ادعیه من آثار حضرت بهاء الله، دارالنشر البهائیه فی البرازیل، ص ۶۹.
۱۰. حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبهاء ۲، مؤسسه ملی مطبوعات امری ایران، ص ۴۹.
۱۱. اقتباس از کتاب نیوگاردن (New Garden)
۱۲. حضرت بهاء الله، منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله شماره ۵ ص ۱۳.
۱۳. مأخذ بالا، شماره ۵ ص ۱۴.
۱۴. حضرت عبدالبهاء، مجموع خطابات حضرت عبدالبهاء (آلمان ۱۹۸۴) ص ۵۸.
۱۵. ترجمه از خطابه حضرت عبدالبهاء در پاریس، نقل در Paris Talks. اصل آن به فارسی موجود نیست.
۱۶. حضرت بهاء الله، منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله شماره ۱۴۶ ص ۲۰۲.
۱۷. حضرت عبدالبهاء، مجموعه خطابات حضرت عبدالبهاء ص ۵۹.
۱۸. حضرت بهاء الله، کلمات مکنونه فارسی شماره ۴۴.
۱۹. حضرت عبدالبهاء، مجموعه خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۳۰.
۲۰. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۴۵، ص ۸۵.

۲۱. ترجمه از خطابه حضرت عبدالبهاء در آمریکا ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۲ که اصل آن به فارسی موجود نیست.
۲۲. حضرت بهاء الله، در مجموعه "جلسات امری" تنظیمی بیت العدل اعظم الهی بزبان انگلیسی ص ۳.
۲۳. از یکی از الواح منتشر نشده حضرت عبدالبهاء که ترجمه انگلیسی آن در این کتاب به چاپ رسیده است: Tablets of Abdu'l-Baha Abbas [الواح عبدالبهاء عباس] (شیکاگو: لجنة نشر مطبوعات بهائی، ۱۹۳۰)، جلد ۳، ص ۵۵۳.
۲۴. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۵۷ ص ۹۱.
۲۵. حضرت بهاء الله، در مجموعه "جلسات امری" تنظیمی بیت العدل اعظم الهی بزبان انگلیسی ص ۳.
۲۶. ترجمه از الواح حضرت عبدالبهاء.
۲۷. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۵۴ ص ۹۰.
۲۸. حضرت بهاء الله، کتاب مستطاب اقدس آیه ۵۷ ص ۵۴.
۲۹. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۴۸ ص ۸۷.
۳۰. بیت العدل اعظم الهی مورخ ۲۷ آگست ۱۹۸۹.
۳۱. بیت العدل اعظم الهی مورخ ۲۷ آگست ۱۹۸۹.
۳۲. حضرت بهاء الله کلمات مکنونه فارسی ش ۴۹.
۳۳. ترجمه از الواح حضرت عبدالبهاء.
۳۴. حضرت بهاء الله، منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله شماره ۱۳۹ ص ۱۹۵.
۳۵. مأخذ بالا، شماره ۷۴ ص ۹۶.
۳۶. مأخذ بالا، شماره ۱۵۸ ص ۲۱۵.
۳۷. ترجمه از الواح حضرت عبدالبهاء.
۳۸. حضرت بهاء الله، منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله شماره ۱۶۱ ص ۲۱۸.
۳۹. ترجمه از خطابه حضرت عبدالبهاء در پاریس، نقل در Paris Talks. اصل آن به فارسی موجود نیست.

۴۰. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد اول شماره ۲۱۶ ص ۲۵۹

۴۱. توفیع از طرف حضرت ولی امرالله مورخ ۳۰ جون ۱۹۳۷ خطاب به یکی از یاران.



معرفی عقاید بهائی

هدف

کسب توانائی معرفی عقائد و نظریات بهائی در بحث و مکالمه.

بخش اول

شما می‌دانید که ضمن پیشرفت در سبیل خدمت امرالهی، با ابلاغ کلام حضرت بهاء‌الله به دیگران، از فرح و سرور و فیر برخوردار خواهید گشت. فرصت انتشار لثالی ثمینة علم و حکمت منزله در آثار حضرت بهاء‌الله به طرق مختلفه به وجود می‌آید. ممکن است مجمعی در منزل خود تشکیل دهید و دوستان خود را از تعالیم بهائی آگاه سازید. ممکن است یک سخنرانی در باره امر بهائی در یکی از انجمن‌های محلی ایراد نمائید. ممکن است در مشروعات تبلیغی در مناطق دور و نزدیک مشارکت نمائید و یا از مؤمنین جدید دیدن کنید و برخی از آثار مبارکه را با آنان مطالعه نمائید. اگر به تعلیم و تربیت کودکان علاقمند باشید، می‌توانید کلاس‌هایی جهت آنان ترتیب دهید و به آنان کمک نمائید تا زندگی خود را بر اساس تعالیم حضرت بهاء‌الله بنا نهند.

بسیاری از فرصت‌های تبلیغی در حین مذاکرات روزانه با دوستان به وجود می‌آید. در حالیکه در باره موضوع‌های مختلف بحث می‌کنید، می‌توانید نظریات خود را که از آثار بهائی سرچشمه گرفته با آنان در میان گذارید و به آنان کمک نمائید تا امور را از دیدگاه تعالیم مبارکه بررسی کنند. نحوه معرفی افکار بهائی در مذاکرات نباید غیرطبیعی جلوه نماید و یا به دیگران تحمیل شود. در برخی موارد ممکن است نظریات خود را بدون ذکر دیانت بهائی ارائه دهید. در اکثر موارد می‌توانید نظریات خود را با بیان اینکه "حضرت بهاء‌الله به ما تعلیم داده‌اند که..." و یا "حضرت عبدالبهاء فرموده‌اند..." ارائه دهید. در اینگونه موارد ملزم نیستید توضیح دهید که حضرت بهاء‌الله چه شخصیتی هستند و یا دیانت بهائی چیست. اگر افکار خود را آزادانه بیان نمائید و منبع این افکار را به نحوی طبیعی ذکر کنید، فرصت معرفی امر به طور مستقیم زودتر از آنچه تصور می‌نمودید به وجود خواهد آمد.

مطالبی که در این واحد نقل می‌شود هرچند نصوص مبارکه نیست، ولی بر اساس خطابات و الواح حضرت عبدالبهاء است و بسیاری از جملات مبارک در آن استفاده گردیده است. باید این مطالب را با دقت چند بار بخوانید و مورد بررسی قرار دهید و سعی کنید تا همان عقاید را با کلمات خود بیان نمائید. امید است با این روش بتوانید تعالیم مبارکه را دقیقاً و براساس بیانات حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی به دیگران توضیح دهید.

باید متذکر باشید که مطالبی را که در این واحد مطالعه خواهید نمود جایگزین حفظ کلمة الهیه که قوه مخصوصه دارد و نافذ قلوب است نخواهد شد. بنابراین باید بتوانید قسمت‌هایی از آثار مبارکه را حین تبلیغ نقل نمائید. ولی زیاده روی در نقل بیانات مبارکه ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد. مانند دیگر جوانب حیات بهائی باید اعتدال را در نظر داشت و ضمن اینکه مطالب را با کلمات خود توضیح می‌دهید، برخی از آثار مبارکه را نیز نقل نمائید. به منظور ایجاد این اعتدال باید وقت و نیرو صرف نموده و آثار مبارکه را مطالعه کنید تا به افکار و احساسات شما شکل دهند.

تمرین:

۱. در همه مکالمات این فرصت به شما دست نمی‌دهد تا تعالیم حضرت بهاء‌الله را با دیگران در میان گذارید. در حقیقت اکثر مطالبی که مردم در باره آن صحبت می‌کنند بیهوده و یا حتی مضر است. البته این بدان معنی نیست که همه مکالمات باید در باره موضوع‌های سنگین و مشکل باشد. بعضی صحبت‌ها نیز می‌تواند شاد باشد. باید از صحبت‌های بیهوده خودداری کرد و سعی نمود در مکالمات با دوستان مطالبی که گفته می‌شود باعث ارتقاء روح و فکر باشد. راجع به صحبت‌هایی که در چند هفته گذشته با دوستانتان داشتید فکر کنید. کدام یک باعث ارتقاء روح و فکر شما بوده است و ضمن کدام یک توانسته‌اید تعالیم مبارکه دیانت بهائی را معرفی کنید؟ لطفاً آن صحبت‌ها را ذکر کنید:

بخش دوم

قبل از مطالعه این واحد، لازم است که راجع به مقام حضرت عبدالبهاء در دور بهائی قدری تفکر و تأمل کنید. البته ضمن سایر مطالعات خود در باره حیات حضرت عبدالبهاء مطالعه خواهید نمود و از حکمت‌های بی‌انتهای بیانات ایشان مستفیض خواهید شد.

حضرت عبدالبهاء شخصیت بی‌نظیری در تاریخ بشریت‌اند و هیچیک از ادیان گذشته از موهبت داشتن یک چنین شخصیتی برخوردار نبوده‌است. فضل و عنایت حضرت بهاء‌الله که جامعه بهائی را پس از صعود، در ظلّ حمایت غصن اعظم، حضرت عبدالبهاء قرار داده قابل وصف نیست. حضرت بهاء‌الله نه تنها ظهور مبارک خود را به عالمیان ارزانی داشته‌اند، بلکه فرزند خود را نیز تقدیم نموده‌اند که با علم و حکمت وی عالم انسانی منور خواهد شد. مشکل است بتوان حتی ذره‌ای از عظمت این ظهور را بدون آگاهی از مقام فرید حضرت عبدالبهاء درک نمود.

اولاً حضرت عبدالبهاء مرکز عهد و میثاق حضرت بهاء‌الله می‌باشند. قوه میثاق جامعه بهائی را متحد ساخته از تعدی دشمنان و تفرقه و انقسام حفظ می‌نماید. قوه میثاق است که ضامن فتح و ظفر نهائی است.

اساساً پیمانی که حضرت بهاء‌الله با پیروان خود بسته است مستلزم آنست که قلوب خود را متوجه مرکز عهد و میثاق ساخته به آن وفادار باشیم. حضرت عبدالبهاء مرکز عهد و میثاق الهی است و طبق الواح مبارکه وصایا بعد از آن، حضرت شوقی افندی، ولی امر و مرکزی است که باید به او توجه نمائیم. الیوم مرکز عهد و میثاق بیت‌العدل اعظم است که بنا به دستورات صریحه حضرت بهاء‌الله و تعلیمات واضحه حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی‌امرالله، تشکیل گشته است.

ثانیاً حضرت عبدالبهاء مبین مصون از خطای حضرت بهاء‌الله می‌باشند. ظهور حضرت بهاء‌الله و آثار منزله چنان وسیع است و معانی مکنونه در هریک از بیانات نازله چنان عمیق که حضرتشان لازم دانستند بعد از خود مبینی جهت این آثار بجا گذارند که ملهم از خود آن حضرت باشند. بدین ترتیب نسل‌های آینده بشری می‌توانند تعالیم مبارکه حضرت بهاء‌الله را از طریق تبیینات حضرت عبدالبهاء در الواح و خطابات عدیده ادراک نمایند. بعد از حضرت عبدالبهاء، حضرت شوقی افندی مبین آیات‌الله می‌باشند و با صعود ایشان، وظیفه تبیین تا ابد و تا انتهای دور بهائی خاتمه یافت.

همچنین باید بدانیم که با تعیین مبین آیات، حضرت بهاء‌الله فضل عظیمی شامل جامعه بهائی نمودند. در گذشته هریک از ادیان به فرقه‌های متعدد منقسم شده زیرا از داشتن مرکزی که پیروان بتوانند هنگام اختلاف نظر در باره معانی کلمات منزله در کتب مقدسه بدان مراجعه نمایند محروم بودند. ولی در این ظهور، چنانچه معنی و مفهوم بیانات حضرت بهاء‌الله برای یاران روشن نباشد به تبیینات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی‌امرالله مراجعه می‌نمایند و چنانچه مطلب واضح نگردد به بیت‌العدل اعظم توجه می‌کنند و بدین ترتیب فرصتی برای اختلاف در تعالیم مبارکه باقی نمی‌ماند و وحدت امر الهی محفوظ می‌گردد.

ثالثاً حضرت عبدالبهاء مثل اعلاى تعالیم مبارکه پدر بزرگوارشان می‌باشند. هرچند ما هیچگاه نمی‌توانیم به آن مرحله از کمال واصل شویم، ولی باید همیشه آن حضرت را مطمح نظر داشته باشیم و سعی کنیم در اثر اقدام حضرتشان مشی نمائیم. وقتی در آثار مبارکه در باره عشق و محبت می‌خوانیم به حضرت عبدالبهاء توجه نموده منبع عشق و مهربانی را مشاهده می‌نمائیم. وقتی در باره تنزیه و تقدیس، عدالت و انصاف، راستی و صداقت، فرح و سرور، جود و سخاوت می‌خوانیم به حضرتش توجه نموده در حیات مبارک این صفات را که به حد کمال در آن حضرت تجلی نموده مشاهده خواهیم نمود.

اما اساس حیات مبارک عبودیت است. می‌دانید که لقب "عبدالبهاء" بمعنی بنده و عبد بهاء است و لقبی است که حضرتشان بر جمیع القاب دیگر ترجیح دادند. بیان ذیل از حضرت عبدالبهاء نشانه آرزوی مبارک به خدمت است و چنانچه این بیان را حفظ نمائید هادی و رهنمای شما در سبیل خدمت خواهد بود:

"نام من عبدالبهاءست صفت من عبدالبهاءست. حقیقت من عبدالبهاءست نعت من عبدالبهاءست. رقیّت به جمال قدم اکیلل جلیل و تاج و هاج من است و خدمت به نوع انسان آئین قدیم من.... نه اسمی دارد نه لقبی

نه ذکر می خواهد نه نعتی جز عبدالبهاء این است آرزوی من . این است اعظم آمال من . این است حیات ابدی من . این است عزت سرمدی من." ۱

همانطور که قبلاً ذکر شد، مطالبی را که در بخش‌های ذیل مطالعه خواهید کرد عین بیانات مبارکه نمی‌باشد، ولی بر اساس الواح و خطابات حضرت عبدالبهاء هستند. هنگامی که در تبلیغ تجربه کافی پیدا کردید، مایل خواهید بود ذهن و فکر خود را از بیانات حضرتش مملو ساخته نحوه شرح مطالب را فرا بگیرید و بدون شک می‌خواهید قسمت‌هایی از خطابات و الواح مبارک را حفظ نمائید. امید است این واحد در این خصوص به شما کمک نماید.

بخش سوم

اولین مطلب برای مطالعه که معمولاً در مذاکرات به شما کمک می‌کند در خصوص "لزوم مربی" است:

وقتی همه جنبه‌های زندگی را در نظر می‌گیریم متوجه نیاز مبرم به مربی می‌شویم. اگر انسان را تنها در جنگل رها کنید راه حیوانات را می‌پیماید. اگر تربیت شود می‌تواند به اعلی‌درجات رسد، اگر مربی وجود نداشته باشد، تمدن هم وجود نخواهد داشت.

تربیت سه نوع است: جسمانی، انسانی و روحانی. تربیت جسمانی مربوط به ترقی جسم است. تربیت انسانی در مورد مدنیت و پیشرفت عالم است. این تربیت مربوط به حکومت، نظام اداری، امور خیریه، تجارت، هنر، صنایع، علوم و اکتشافات و اختراعات علمی است. تربیت روحانی اکتساب کمالات الهی است. این تربیت حقیقی است، زیرا با کمک آن، طبیعت روحانی یعنی طبیعت برتر وجود انسانی ترقی می‌نماید.

عالم انسانی برای پیشرفت احتیاج به مربی دارد. مربی کسی است که تسلط کامل و بصیرت روشن راجع به تربیت جسمانی و انسانی و روحانی داشته باشد. اگر شخصی بگوید من از نظر فکری کامل هستم و احتیاج به مربی ندارم، بدان معنی است که چیزی را که واضح و عیان است انکار می‌کند. مثل آنست که طفلی بگوید من احتیاج به تعلیم ندارم، همانطوریکه عقل و فهم به من حکم می‌کند انجام می‌دهم و خودم به کمال خواهم رسید.

عالم انسانی همیشه و در همه حال احتیاج به مربی کامل دارد، کسی که بتواند در امور مربوط به تغذیه و صحت، بشر را راهنمایی کند. کسیکه بتواند کمک نماید تا در علوم و اختراعات و اکتشافات پیشرفت کند و از همه مهم‌تر روح حیات حقیقی را در هیكل بی‌جان او بدمد. هیچ انسان عادی نمی‌تواند این اهداف مهم اساسی را متحقق سازد. فقط مظاهر ظهور الهیه می‌توانند این وظیفه را انجام دهند. آنها نفوس منتخبی هستند که خداوند در ازمنه مختلفه به عنوان مربیان عمومی بشر می‌فرستد.

تمرین:

۱. مطلب فوق را مکرراً در گروه خود بخوانید و مطالب آن را خوب فراگیرید و مانند دوره‌های قبل از یکدیگر سؤال کنید و مطالب را به زبان خود بیان نمایید.

۲. جهت معرفی مطلب فوق بعضی بحث‌ها مناسب‌تر خواهند بود. لیستی از برخی از موضوع‌های بحث ذکر شده است. مشخص نمایید در کدام یک می‌توانید موضوع فوق را به نحوی طبیعی ذکر نمایید، و توضیح دهید به چه نحو این کار را انجام خواهید داد.

_____ وضع جامعه امروز

_____ زندگی بعد از مرگ

_____ سوادآموزی

_____ نیاز به اینکه هر انسانی باید شغل یا حرفه‌ای در زندگی خود داشته باشد.

۳. مطالبی که در بحث فوق ذکر شد معمولاً به مذاکره در باره بعضی از جنبه‌های امر منجر می‌شود. اگر از شما سؤال کنند "بعضی از این مرئیان که می‌گویند چه اشخاصی هستند" چه می‌گویند؟

۴. بیانات مبارکه ذیل از حضرت بهاءالله راجع به مطالبی است که مطالعه کردید. در آنها تأمل نموده سعی کنید حفظ نمایید تا بتوانید در صحبت‌های خود از آن استفاده نموده در قلوب مستمعین اثرگذارید.

"جمیع از برای اصلاح عالم خلق شده‌اند."^۲

"حقّ جل جلاله از برای ظهور جواهر معانی از معدن انسانی آمده."^۳

"خواست یزدان از پدیداری فرستادگان دو چیز بود نخستین رهانیدن مردمان از تیرگی نادانی و رهنمائی بروشنائی دانائی. دویم آسایش ایشان و شناختن و دانستن راههای آن."^۴

"در هر حال مَنذَر و هادی و معرّف و معلّم لازم."^۵

بخش چهارم

نکات ذیل در مورد موضوع تحرّی حقیقت در مواقع متعدد مورد استفاده شما خواهد بود.

ما باید عاشق نور باشیم از هر چراغی بتابد. ما باید عاشق گل باشیم از هر باغی بروید. ما باید خواهان حقیقت باشیم از هر منبعی ظاهر شود. تمسک به یک چراغ مانع می‌شود تا قدر نوری را که در چراغ دیگر می‌تابد بدانیم. تمسک به شکل خارجی و مناسک دینی می‌تواند مانع درک حقیقت کلیه ادیان شود. اگر خواهان حقیقت هستیم باید تعصب را رها کنیم و خرافات را بدور اندازیم. چون فرق کلی است بین خرافات، تعصب و تقالید از طرفی و حقیقت از طرف دیگر. با درک این مطلب، می‌توانیم تابش حقیقت نور الهی را در همه مظاهر الهیه یعنی حضرت کریشنا، حضرت موسی، حضرت زردشت، حضرت بودا، حضرت مسیح، حضرت محمد، حضرت باب و حضرت بهاء‌الله مشاهده کنیم.

در جستجوی حقیقت باید خود را از افکار و عقاید تقلیدی فارغ کنیم، باید تعصبات و افکار ناچیز را دور اندازیم. فکر روشن و مستعد لازم است. اگر جام وجود ما از خود پرستی لبریز باشد جائی برای آب حیات در آن نیست. در واقع بزرگ‌ترین مانع برای وصول به وحدت این است که افکار خود را درست و سایرین را غلط بدانیم. برای رسیدن به حقیقت وحدت و اتحاد ضروری است، زیرا حقیقت یکی است.

تمرین:

- مانند بخش‌های گذشته، مطالب فوق را مکرر در گروه خود مطالعه کنید و سئوالات مربوطه را از یکدیگر بپرسید و با کلمات خود بیان کنید.
- برخی مطالب فوق را می‌توان آسان‌تر در بعضی از مذاکرات گنجانید. لیستی از بعضی موضوع‌های بحث ذیلاً ارائه شده است. مشخص نمایید در کدام یک می‌توانید موضوع فوق را به نحوی طبیعی ذکر نمایید و توضیح دهید به چه نحو این کار را انجام خواهید داد.
_____ روش زراعت سنتی قدیم در مقایسه با تکنولوژی جدید.
_____ مشکلات محیط زیست.
_____ منازعات مذهبی.
_____ مساوات زن و مرد.
- با ذکر این مطالب در مکالمه با دوستانتان، فرصتی برای شما پیش می‌آید تا جنبه‌های مختلف امر را با آنها در میان گذارید. اگر از شما سؤال شد "برخی حقائق مشترک در کلیه ادیان الهی چیست؟" چه جواب می‌دهید؟

۴. بیانات حضرت بهاء الله راجع به مطالبی که مطالعه کردید ذیلاً درج گردیده است. سعی کنید این بیانات را حفظ کنید تا بدین صورت بتوانید در صحبت های خود از آنها استفاده کنید:

"شکی نیست جمیع احزاب بافق اعلی متوجهند و بامر حقّ عامل."^۶

"عاشروا مع الادیان کلها بالروح و الریحان."^۷

"...دین الله و مذهب الله از برای حفظ و اتحاد و اتفاق و محبت و الفت عالم است او را سبب و علت نفاق و اختلاف و ضغینه و بغضا نمائید."^۸

"مذهب الهی از برای محبت و اتحاد است او را سبب عداوت و اختلاف نمائید."^۹

بخش پنجم

این بخش که شرح می دهد چگونه خدا فقط از طریق پیامبران شناخته می شود در مکالمات شما با دوستانتان کمک خواهد کرد.

این عالم نامحدود را ملاحظه کنید. آیا ممکن است بدون خالق خلق شده باشد؟ و یا خالق این دنیای نامحدود می تواند فاقد عقل و ادراک باشد؟ مادّیون می گویند که انسان از طبیعت به وجود آمده است ولی طبیعت عقل و شعور ندارد. آیا ممکن است چیزی که عقل ندارد انسانی خلق کند که دارای عقل باشد؟

اگر به جمیع مخلوقات نظر کنیم مشاهده می کنیم شیء مادون نمی تواند درک قدرت مافوق خود را کند. لذا سنگ، درخت و حیوانات هرچقدر ترقی کنند نمی توانند به حقیقت انسان پی برند و حتی تصوّر قدرت او را نمایند. پس چگونه انسان که مخلوق است می تواند خالق خود را درک کند؟

با وجودیکه ادراک انسان هیچوقت به خدا نمی رسد، ولی محروم از شناخت او نیست. هرگاه انسان کاملی ظاهر می شود که تجلی گاه خدا بر روی زمین است. جمیع کمالات، مواهب و تجلیات خداوند در مظهر مقدّس الهی نمایان است. مانند شمس که در آئینه صاف منعکس می شود. اگر بگوئیم این آینه ها مظاهر شمس حقیقتند بدین معنی نیست که شمس از مقام رفیع خود تنزل کرده و در آئینه وارد شده است. مقصود اینست که آنچه جامعه انسانی از اسماء و صفات و کمالات خدا درک می کند راجع به مظاهر مقدّسه او است.

تمرین:

۱. پس از مطالعه مکرر این مطلب و پاسخ سوالات طرح شده سعی کنید مطلب را به زبان خود بیان نمائید.

۲. لیست موضوع‌هائی برای بحث در ذیل مشاهده می‌کنید. لطفاً موضوعی را انتخاب کنید که بتوانید با فکر خود و به طور طبیعی موضوع "شناخت خدا از طریق مظاهر او" را ضمن آن موضوع معرفی کنید و نحوه عمل آن را ذکر نمایید:

_____ خلقت عالم

_____ فوائد انرژی خورشیدی

_____ وجود خدا

_____ قدرت عقل انسان

۳. فرض کنید در مکالمه با دوستان فرصتی پیش می‌آید که مطلب مورد مطالعه را مطرح کنید، اگر از شما سؤال شد "از جمله مسائلی که راجع به خدا از طریق مظاهر الهیه درک می‌کنیم چیست؟" چه جواب می‌دهید؟

۴. بیانات مبارکه ذیل را از حضرت بهاء‌الله حفظ کنید تا بتوانید در صحبت‌های خود از آن استفاده کنید:

"و معرفت مبدأ و وصول باو حاصل نمی‌شود مگر بمعرفت و وصول این کینونات مشرقه از شمس حقیقت."^{۱۰}

"و هرگز مرغ بینش مردمان زمین بفراز آسمان دانش او نرسد."^{۱۱}

"هیكل ظهور قائم مقام حقّ بوده و هست اوست مطلع اسماء حسنی و مشرق صفات علیا."^{۱۲}

"لا تفرّقوا فی مظاهر امرالله و لا فیما نزل علیهم من الآیات و هذا حقّ التّوحید... و کذلک فی افعالهم و اعمالهم و کلمّا ظهر من عندهم و یظهر من لدنهم کلّ من عندالله."^{۱۳} (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: بین مظاهر الهی فرق نگذارید و در آنچه از آیات بر آنان نازل شده است تفاوت قائل مشوید، چه که این است حقیقت توحید... همچنین در اعمال و افعال آنان و آنچه از جانب آنان ظاهر می‌شود چه همه اینها از طرف پروردگار به ظهور می‌رسد.)

بخش ششم

گاهی مواردی پیش می‌آید که باید به طور خلاصه در باره‌ی حیات حضرت بهاء‌الله و رسالت آن حضرت صحبت کنید. مطلب ذیل در این زمینه به شما کمک خواهد نمود.

حدود ۱۵۰ سال قبل، حضرت بهاء‌الله در ایران ظهور نمود و تمام حیات خود را صرف تربیت و ترقی مردم فرمود. وحدت عالم انسانی را به بشریت اعلان فرمود و به مردم تعلیم داد که همه را خداوند بخشنده‌ی مهربان خلق کرده و در ظل رحمت خود پرورده است. آن حضرت تعالیمی از قبیل تساوی حقوق زن و مرد، ترک تعصبات، توافق دین و علم و تعلیم و تربیت عمومی را ترویج فرمودند.

پادشاهان شرق و علمای ایران چون تعالیم آن حضرت را با منافع شخصی خود در اصطکاک دیدند، علیه آن حضرت قیام نمودند. حضرت بهاء‌الله مورد ظلم و ستم و سخریه و استهزاء و حبس و زندان قرار گرفتند. املاک و اموالشان در ایران غصب شد و از آنجا به بغداد و اسلامبول و ادرنه و نهایتاً به سجن عکا سرگون شدند.

در میان این مصائب و بلاها همیشه خوشحال و مسرور بودند. دشمنان نهایت سعی خود را نمودند تا از عظمت او بکاهند ولی شهرت ایشان روز بروز بیشتر شد. دشمنان از جمیع جهات هجوم نمودند ولی ایشان هیچ اقدامی برای دفاع از خود نکردند، بلکه بالعکس در نهایت قوت و قدرت روحانی در جمیع احیان مقابل مردم نمایان بودند.

در دوران زندگانی خود همیشه فعال بودند و نیروی ایشان نامحدود بود. بندرت شبی را در بستر راحت بسر بردند. آنحضرت تحمل عذاب‌ها و مشقت‌های شدید را نمودند تا مفهوم خدمت و محویت و فنا در عالم انسان آشکار شود، صالح عمومی تأسیس شود، ایمان انسان تقویت گردد، عقل و فهم انسان باعلی درجات پیشرفت نماید و انسان انعکاسی از صورت و مثال خدا شود. حضرت بهاء‌الله حقیقتاً مظهر خدا و مربی کلی عالم انسانی بودند.

تمرین:

۱. مانند همیشه این مطلب را قسمت به قسمت با یکدیگر مطالعه کنید و از یکدیگر سؤال نمائید تا مطلب را بخوبی فرا گرفته بتوانید به زبان خود بیان نمائید.

۲. لیست موضوع‌هائی برای بحث در ذیل مشاهده می‌کنید، لطفاً موضوعی را که فکر می‌کنید بتوانید ضمن آن حیات حضرت بهاء‌الله را مقدمتاً بیان کنید علامت بگذارید و در گروه خود توضیح دهید که چگونه موضوع را ضمن مکالمه مطرح خواهید نمود.

_____ حقوق انسان.

_____ عدم عدالت در دنیای امروز

_____ اوضاع و احوال در خاورمیانه.

_____ شخصیت‌های مهم در تاریخ.

۳. عکس‌العمل شما در مقابل این سؤال چه خواهد بود "چرا ما احتیاج به حضرت بهاء‌الله داریم با وجودیکه تعالیم مظاهر مقدسه قبل را در دست داریم؟" _____

۴. توصیه می‌گردد بیانات ذیل را حفظ کنید تا بتوانید در صحبت‌های خود راجع به حضرت بهاء‌الله از آنها استفاده کنید:

"حقیقت ازلی تجلی نمود علم قدرت برافراخت و بر عالم امکان انوار ظهورش را من دون حجاب اشراق فرمود." ۱۴ (ترجمه)

"قل هذا مطلع الغیب المکنون لو انتم من العارفين." ۱۵ (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: بگو این جایگاه طلوع خداوند غیب پوشیده از دیدگاه است اگر بشناسید.)

"هذا یوم فیه اتی الرحمن علی ظلل العرفان بسطان مشهود." ۱۶ (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: این روزی است که پروردگار رحمن در سایه‌های عرفان با قدرتی آشکار آمده است.)

بخش هفتم

بلوغ جامعه بشری موضوع متن ذیل می‌باشد:

هر موجود زنده‌ای که در این دنیا زندگی می‌کند از شروع تا خاتمه حیاتش مراحل مختلفی را طی می‌کند. هر مرحله شرایط و حالات و احتیاجات مخصوص به خود را دارد. در زندگی یک انسان، مرحله شیرخوارگی، طفولیت، نوجوانی، جوانی و بلوغ، هر یک شرایط و احتیاجاتی دارد که با هم فرق می‌کند. هر مرحله ما را برای مرحله بعد آماده می‌سازد، استعدادها را تقویت می‌کند و ذهن و فکر ما را پرورش می‌دهد.

به همین ترتیب در حیات جمعی نوع بشر نیز دوران‌ها و مراحل مختلفی موجود است. جامعه انسانی در این زمان از مرحله طفولیت گذشته وارد مرحله بلوغ که سالیان دراز در انتظارش بوده می‌شود. آنچه که احتیاجات

زمان قدیم را برآورد می‌کرد حال جوابگوی احتیاجات این زمان نیست. بازیچه‌های دوران شیرخواری و طفولیت فکر انسان بالغ را قانع نمی‌کند.

از هر نظر، جامعه انسانی با تغییر و تحوّل کلی روبروست، چه در حکومت و قانون و چه در علوم و صنایع. موازین و روش اخلاقی و نحوه زندگانی گذشته با پیشرفت و تقدّم کنونی جهان امروز مطابقت نمی‌کند.

حال وقت بلوغ و همچنین تجدید و تحوّل در دیانت نیز می‌باشد. تقلید از اعتقادات دیرینه و تعصبات علّت عداوت و اختلاف شده است. این تقلید باید کنار گذاشته شود و جای خود را به تعالیم الهی که برای پیشرفت و رفاه عالم انسانی در این عصر نازل شده است بدهد. این تجدید و تحوّل در حقیقت دین، اساس تمدّن حقیقی است و سراج هدایت عالم است و درمانی الهی جهت آلام جامعه انسانی است.

تمرین:

۱. طبق معمول، جهت فراگیری کامل نکات مذکور، این قسمت را در گروه خود چندین بار مطالعه کرده سئوالاتی برای یکدیگر طرح کنید که پاسخ آن در متن آمده باشد.

۲. یکی از موضوع‌های ذیل را که هر کدام عنوان یک مکالمه می‌باشد انتخاب کنید و سعی نمائید به نحوی طبیعی افکار فوق را ضمن آن ارائه دهید و نحوه انجام این کار را با گروه خود در میان گذارید.

_____ تاریخ .

_____ ادبیات معاصر.

_____ آینده جامعه انسانی.

_____ دگرگونی‌های اجتماعی در جامعه امروز.

۳. اگر از شما سؤال شود "از کجا می‌دانید که جامعه انسانی دارد به مرحله بلوغ وارد می‌شود؟" چه جواب می‌دهید؟

۴. بیانات ذیل را حفظ کنید تا بتوانید در صحبت‌های خود استفاده کنید:

"هر روز را رازی است و هر سر را آوازی درد امروز را درمانی و فردا را درمان دیگر."^{۱۷}

"امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید."^{۱۸}

"جمیع اهل ارض در این عصر در حرکتند و سبب و علت آنرا نیافته‌اند."^{۱۹}

بخش هشتم

تأسیس صلح جهانی فکر همه را به خود مشغول داشته است. مطلب ذیل به شما کمک می‌کند نظر دیانت بهائی را در این خصوص ارائه دهید.

امروز بزرگترین چالش عالم بشری تأسیس صلح است. صلح نور است و جنگ ظلمت. صلح حیات است و جنگ ممات. متجاوز از یک قرن پیش حضرت بهاءالله اعلان صلح عمومی فرمودند و تعالیمی آوردند که استقرار صلح عمومی را امکان‌پذیر می‌سازد.

یکی از این تعالیم تحری حقیقت است. اگر به مردم اجازه داده شود خود حقیقت را جستجو کنند وحدت عالم انسانی را ملاحظه خواهند نمود. حقیقت یکی است و از طریق آن وحدت عالم انسانی تحقق خواهد پذیرفت. تعصبات از هر نوع، جنسی، نژادی، طبقاتی، ملی و درجات تمدن مادی، همه باعث اختلاف می‌شود. اگر قبول کنیم که به جای تقلید کورکورانه از عقاید دیرینه، حقیقت را جستجو کنیم البته هر نوع تعصب را از بین خواهیم برد.

تعالیم حضرت بهاءالله راجع به دین به طور واضح بین دیانت و اوهام و خرافات فرق می‌گذارد. دیانت حقیقی باید با علم و منطق مطابق باشد. دین باید سبب الفت و محبت باشد، اگر باعث اختلاف و نفرت شود بی‌دینی بهتر است. از دیگر تعالیم حضرت بهاءالله تساوی حقوق زن و مرد است. می‌توانیم جامعه انسانی را به پرنده‌ای تشبیه کنیم که یک بال آن زن است و دیگری مرد. هر دو بال باید به یک اندازه قوی شود و ترقی کند تا پرنده بتواند پرواز کند. سایر تعالیم آن حضرت بر اهمیت تعلیم و تربیت عمومی، منافع داشتن یک لسان بین‌المللی و لزوم تمسک به راه‌حل‌های روحانی برای رفع مشکلات اقتصادی تأکید دارد.

جامعه انسانی باید از عالم طبیعت آزاد شود. انسان خلق شده است تا مدنیت جهانی را پیش برد. ولی مدنیت دو نوع است یکی روحانی و دیگری مادی و تا هر دو با هم همراه نباشند سعادت و خوشبختی عالم انسانی متحقق نخواهد شد. تا مادامی که عدالت بر حیات بشری حکمفرما نباشد، همه امور دچار بی‌نظمی و نقص خواهد بود.

تمرین:

۱. بعد از آنکه مطلب فوق را در گروه خود مطالعه کردید، یکی از موضوع‌های ذیل را انتخاب کنید و سعی نمائید به نحوی طبیعی افکار فوق را ضمن آن ارائه دهید و نحوه انجام این کار را با گروه خود در میان گذارید.
- _____ تحریم سلاح‌های کشتار جمعی.
- _____ گسترش حرج و مرج و تروریسم در دنیا.
- _____ وحشیانه بودن جنگ.
- _____ آنچه که موجب سعادت و خوشبختی می‌شود.

۲. اگر از شما سؤال شود: "همیشه جنگ وجود داشته است، چه چیزی باعث می‌شود شما فکر کنید حال صلح امکان دارد؟" چه جواب می‌دهید؟
- _____
- _____
- _____
- _____
- _____

۳. توصیه می‌شود نصوص ذیل را از حضرت بهاء‌الله حفظ کنید:

"نمو عالم و تربیت امم و اطمینان عباد و راحت من فی البلاد از اصول و احکام الهی"^{۲۰}

"...دین... آنست سبب بزرگ از برای نظم جهان و اطمینان من فی الامکان."^{۲۱}

"این اصلاح و راحت ظاهر نشود مگر باتحاد و اتفاق و آن حاصل نشود مگر بنصائح قلم اعلی."^{۲۲}

بخش نهم

اصل وحدت عالم انسانی محور تعالیم بهائی است که اغلب در مباحثات خود بسیار به آن اشاره خواهید نمود.

باغی که در آن همه گیاهان یک شکل و یک رنگ باشد زیبایی ندارد و بسیار یکنواخت و کسل کننده است. ولی باغی که بصر و مشام از دیدنش لذت می‌برد باغی است که در آن گل‌های رنگارنگ باعطرهای مختلف در کنار هم روئیده باشند. اختلاف الوان باعث جذابیت و زیبایی باغ است. با وجودی که گل‌ها رنگ و شکل مختلف دارند، همه از یک باران آبیاری می‌شوند و از یک آفتاب حرارت می‌یابند. این مطلب در مورد

انسان‌ها نیز صادق است. مردم از نژادها و رنگ‌های مختلف می‌باشند ولی همه مخلوق یک خدا هستند و اصلشان یکی است. کثرت و تنوع در خانواده بشری باید باعث الفت و محبت شود، مانند موسیقی که نغمه‌های مختلف با هم ممزوج گشته آهنگی قشنگ به وجود می‌آورند.

وحدت لازمه وجود است. محبت سبب حیات است. در عالم مادی وجود همه اشیا به علت اتحاد است. عناصر اشیا به قوه جاذبه به هم پیوسته‌اند. قوه جاذبه از ترکیب برخی عناصر گلی زیبا به وجود می‌آورد ولی هنگامی که این قوه از آن سلب گردد، آن گل تحلیل می‌یابد و از بین می‌رود. به همین در عالم انسانی جاذبیت الفت و یگانگی قوایی هستند که جامعه انسانی را به هم متصل می‌کنند.

حضرت بهاءالله طریحی برای اتحاد مردم جهان ارائه فرموده‌اند. ما باید برای وارد ساختن مردم در این دایره وحدت، از هیچ کوششی فروگذار نکنیم. وقتی با مردم از نژادها و ملیت‌ها و ادیان و افکار مختلف ملاقات می‌کنیم نباید اجازه دهیم این اختلافات سدّی بین ما ایجاد نماید. باید آنها را به صورت گل‌های رنگارنگ یک باغچه در نظرگیریم و خوشحال باشیم که در میان آنها هستیم.

تمرین:

۱. قسمت فوق را در گروه خود مطالعه کنید و سپس مشخص سازید که کدام یک از عناوین ذیل مناسب است تا عقاید آموخته شده را ضمن آن معرفی نمائید و نحوه انجام این کار را با گروه خود مطرح کنید.

_____ باغبانی.

_____ تنوع و کثرت.

_____ زیبایی طبیعت.

_____ تعصبات طبقاتی.

۲. اگر از شما سؤال شود: " برای اتحاد مردم دنیا چه می‌توان کرد؟ " چه جواب می‌دهید؟

۳. بیانات ذیل را حفظ کنید تا بتوانید حین صحبت‌های خود از آن استفاده نمائید:

" ای دوستان سراپرده یگانگی بلند شد بچشم بیگانگان یکدیگر را ببینید همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار. " ۲۳

"نور اتفاق آفاق را روشن و منور سازد." ۲۴

"باتحاد توجه نمائید و بنور اتفاق منور گردید لوجه الله در مقری حاضر شوید و آنچه سبب اختلاف است از میان بردارید." ۲۵

"باید به اسبابی که سبب الفت و محبت و اتحاد است تشبث جویند." ۲۶

بخش دهم

عدالت یکی دیگر از موضوع های مورد علاقه مردم است. مطلب ذیل به شما کمک می کند تا بعضی از تعالیم را درباره این موضوع مهم با دیگران در میان گذارید.

تفاوت استعداد در افراد بشر اصلی اساسی است. امکان ندارد همه مردم مساوی یا مثل هم باشند، ولی امور بشری به طور کلی باید بر اصل عدالت استوار باشد.

عدالت محدود نیست، یک صفت عمومی است و باید در جميع طبقات جامعه حکمفرما باشد. عدالت باید مقدس شمرده شود و حقوق همه مردم باید حفظ گردد. قوانین جامعه باید به نحوی طرح و اجراء گردد که تعدادی از مردم نتوانند ثروتی زیاد اندوخته نمایند و بقیه محتاج و فقیر باشند. یکی از تعالیم حضرت بهاء الله برطرف کردن فقر و ثروت فاحش است.

هر عضو جامعه می بایست از فوائد مدنیت بهره مند گردد، زیرا هر فرد عضوی از هیکل جامعه انسانی است. اگر عضوی از اعضای این هیکل در درد و الم باشد، بقیه اعضا نیز لزوماً رنج خواهند کشید. چگونه ممکن است عضوی متالم و عضو دیگر راحت باشد؟ ولی امروز به سبب فقدان روابط همبستگی، بعضی از اعضای جامعه راضی و در نهایت راحت و رفاه زندگی می کنند و حال آنکه بعضی دیگر محتاج آذوقه و مسکن هستند. جامعه امروز فاقد تناسب و توازن و تنظیم صحیح است. قوانین و دستوراتی لازم است که سعادت و آسایش همه اعضا خانواده انسانی را تأمین نماید.

عدالت بر دو ستون مجازات و مکافات استوار است. مردم به امید مکافات و ترس از مجازات به عدالت برانگیخته می شوند. اگر بخواهیم از ظلم جلوگیری کنیم، این دو عامل ضروری است. قانون گذاران و مجریان آن باید از عواقب روحانی تصمیمات خود آگاه باشند. وقتی شخص مسئولی بداند که مسئول اعمال خود در عالم بعد است باعث می شود با عدالت رفتار کند. حاکمی که می داند قضاوت او با میزان عدل الهی سنجیده خواهد شد، بدون شک از ظلم اجتناب خواهد نمود.

تمرین:

۱. در گروه چند نفری این قسمت را چندین مرتبه مطالعه کنید و آن را به خوبی فراگیرید. یکی از موضوع های ذیل را انتخاب کنید و سعی نمائید به نحوی طبیعی افکار فوق را ضمن آن ارائه دهید و نحوه انجام این کار را با گروه خود در میان گذارید.

_____ حقوق بشر.

_____ ظلم.

_____ برطرف کردن فقر.

_____ بیکاری.

۲. اگر از شما سؤال شود "چگونه می توان فقر و ثروت فاحش را برطرف نمود؟" چه جواب می دهید؟

۳. توصیه می شود نصوص ذیل را حفظ کنید:

"سراج عباد داد است او را بپادهای مخالف ظلم و اعتساف خاموش منمائید و مقصود از آن ظهور اتحاد است بین عباد."^{۲۷}

"هیچ نوری به نور عدل معادله نمی نماید. آن است سبب نظم عالم و راحت امم."^{۲۸}

"مرئی عالم عدل است چه که دارای دو رکن است مجازات و مکافات و این دو رکن دو چشمه اند از برای حیات اهل عالم."^{۲۹}

بخش یازدهم

هنگامی که با دوستانتان صحبت می کنید به راحتی می توانید موضوع تساوی زن و مرد را که در متن ذیل آمده است ضمن بحث مطرح سازید:

خورشید ظاهری با حرارت و نور خود حقیقت همه اشیا روی زمین را ظاهر می سازد. بدون اشعه خورشید حقیقت اشیا در ظلمت می ماند. همچنین ظهور حضرت بهاء الله مانند خورشیدی که با تمام نور خود در آسمان

روحانی می‌درخشد، حقایقی را که قبلاً پنهان بود آشکار ساخته است. یکی از این حقایق تساوی زن و مرد است. با ظهور اشعه شمس حقیقت، استعداد های زنان چنان روشن و عیان گشته که در حال حاضر تساوی زن و مرد حقیقتی ثابت و مبرهن است.

حضرت بهاء الله به وضوح فرموده اند که در نزد خدا فرقی میان زن و مرد نیست. علت عدم تساوی در قرون و اعصار گذشته برتری مردان نبوده بلکه به این علت بوده است که به زنان فرصت مساوی داده نمی شد تا استعدادها و قوای خود را ظاهر نمایند. اما با وجود تعصبات علیه طبقه زنان، تاریخ نشان می دهد که بسیاری از زنان به موفقیت های عظیمی نائل گردیده اند.

اولین زنی که حقیقت ظهور جدید الهی را پذیرفت یک زن شاعره ایرانی به نام طاهره بود. چون طاهره به حقیقت ظهور جدید پی برد، واقعیت تساوی زن و مرد را کاملاً درک نمود و تمام نیروی خود را صرف اعلان این حقیقت نمود. علم و فصاحت او اعظم علماء آن زمان را متحیر ساخت. با وجودی که تمام قوای پادشاه ظالم و علمای جاهل و مغرور علیه او تجهیز گردیده بود، ولی لحظه ای در بیان حقیقت توقف نکرد و در نهایت، جان خود را فدای امر جدید که با ثبات و استقامت به آن معتقد بود نمود.

اعتقاد به امری که خدا وضع نکرده است جهل و اوهم است. امروزه باید به زنان همه گونه امکانات داده شود تا تحصیل نمایند و در جمیع میادین فعالیت های بشری موقعیتی مساوی مردان داشته باشند. تا تساوی زن و مرد در این دنیا همانطور که در عالم روحانی موجود است متحقق نشود، پیشرفت حقیقی در عالم انسانی ممتنع و محال است.

تمرین:

۱. طبق معمول، این قسمت را در گروه خود مطالعه نمائید و یکی از موضوع های ذیل را که می توانید ضمن آن افکار فوق را به نحوی طبیعی معرفی نمائید مشخص سازید و نحوه انجام آن را با گروه خود در میان گذارید.

___ حیات عائله.

___ تأسیس صلح.

___ زنان مهم تاریخ.

___ پیشرفت عالم انسانی.

۲. اگر از شما سؤال شود "اگر زن در همه کارها با مرد مساوی شود چه کسی تربیت کودکان را به عهده خواهد گرفت" چه جواب می دهید؟

۳. حفظ کردن بیانات مبارکه ذیل از حضرت بهاءالله که به این موضوع مربوط است، بسیار مفید خواهد بود:

"حکم اناث و ذکور عندالله واحد بوده و هست." ۳۰

"هل عرفتم لم خلقناکم من تراب واحد لئلا یفتخر احد علی احد." ۳۱ (مضمون بیان مبارک بفارسی چنین است: میدانید چرا شما را از آب و گل واحد خلق کردم، تا اینکه کسی بر کسی مباحث نکند).

"امروزید عنایت فرق را از میان برداشته عباد و امام در صقع واحد مشهود." ۳۲

بخش دوازدهم

آخرین متنی که از شما خواسته شده مطالعه کنید در مورد تعلیم و تربیت عمومی است.

یکی از اصولی که حضرت بهاءالله در تعالیم خود بر آن تأکید فرموده‌اند تعلیم و تربیت عمومی است. ترویج تعلیم و تربیت یکی از ضروری‌ترین احتیاجات عصر حاضر است. هیچ ملتی نمی‌تواند رفاه و آسایش یابد، مگر آنکه تعلیم و تربیت را از اهداف مهمه خود قرار دهد. سبب اصلی سقوط و تدنی مردم دنیا جهل است. تعلیم و تربیت موجب شرافت، رفاه، استقلال و آزادی حکومت و ملت است.

تعلیم و تربیت باید از شیرخوارگی شروع شود. وظیفه هر پدر و مادری است که سعی کنند به هر وسیله‌ای فرزندان خود را تربیت نمایند و بر اساس مبانی روحانی و اخلاقی، شخصیت آنان را صیقل دهند و علوم و فنون بیاموزند. مادران اولین مربیان عالم انسانی می‌باشند. اطفال را در گهواره مراقبت نموده از ثدی علم و معرفت شیر می‌دهند. هر طفل باید تربیت شود و این امری نیست که بتوان در آن سهل انگاری نمود. اگر والدین از نظر مادی می‌توانند خرج تعلیم فرزندان خود را بدهند، در غیر اینصورت جامعه باید وسائل تعلیم آن اطفال را فراهم کند.

تعلیم باید در هر فردی شوق رسیدن به حد کمال را پرورش دهد. انسان باید شیفته کمالات انسانی باشد و آن را دنبال کند. باید انسان سعی نماید از نظر روحانی ممتاز باشد و به فضائل عالم انسانی مانند صداقت و امانت و خدمت به بشریت و محبت و عدالت مشهور شود. باید سعی نماید در اقدامات خود برای ترویج صلح و وحدت و پیشبرد علم و دانش ممتاز باشد. هدف اصلی تعلیم و تربیت هدایت نفوس در این مسیر است.

تمرین:

۱. پس از آنکه این قسمت را در گروه خود مطالعه نمودید، هر یک از موضوع‌های ذیل را که احتمالاً می‌توانید افکار فوق را ضمن آن معرفی نمائید مشخص سازید و نحوه انجام این کار را با گروه خود در میان گذارید.

____ تربیت کودکان.

____ پیشرفت اجتماعی.

____ قدرت علم.

____ نظام آموزشی مدارس.

۲. اگر از شما بپرسند "برای برخورداری میلیاردها نفر مردم کره زمین از تعلیم و تربیت چه پیشنهادی دارید؟" چه پاسخ می‌دهید؟

۳. توصیه می‌شود که بیانات ذیل را حفظ کنید:

"انسان بی علم و هنر محبوب نه مثل اشجار بی ثمر بوده و خواهد بود." ۳۳

"همت را در تربیت اهل عالم مصروف دارید." ۳۴

"سبب علو وجود و سمو آن علوم و فنون و صنایع است. علم بمنزله جناح است از برای وجود و مرقعات است از برای صعود." ۳۵

"فی الحقیقه کثر حقیقی از برای انسان علم اوست و اوست علت عزت و نعمت و فرح و نشاط و بهجت و انبساط." ۳۶

مراجع

۱. از بیانات حضرت عبدالبهاء . مذکور در دوربھائی به قلم حضرت ولی امرالله ص ۶۸ (چاپ آلمان)
۲. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله شماره ۱۰۹ ص ۱۴۰.
۳. مأخذ بالا، شماره ۱۳۲ ص ۱۸۴
۴. مأخذ بالا، شماره ۳۴ ص ۵۸
۵. لوح مقصود (مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابھی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، آلمان) ص ۹۵.
۶. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله شماره ۱۱۱ ص ۱۴۱.
۷. مأخذ بالا، شماره ۴۳ ص ۶۸.
۸. مأخذ بالا، شماره ۱۱۰ ص ۱۴۰.
۹. کتاب عهدی (مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابھی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، آلمان) ص ۱۳۵.
۱۰. کتاب ایقان (چاپ هندوستان) ص ۷۴، (چاپ آلمان) ص ۹۴
۱۱. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله شماره ۳۴ ص ۵۹.
۱۲. مأخذ بالا، شماره ۲۸ ص ۵۳.
۱۳. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله شماره ۲۴ ص ۴۶.
۱۴. نظم جهانی بھائی، ترجمه هوشمند فتح اعظم، مؤسسه معارف بھائی کانادا، ۱۹۹۵، ص ۱۰۱ .
۱۵. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله شماره ۱۴ ص ۲۸.
۱۶. مأخذ بالا، شماره ۱۸ ص ۳۷.
۱۷. مأخذ بالا، شماره ۱۰۶ ص ۱۳۸.
۱۸. مأخذ بالا، شماره ۱۰۶ ص ۱۳۸.
۱۹. مأخذ بالا، شماره ۹۶ ص ۱۲۸.

۲۰. لوح اشراقات، اشراق نهم (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، آلمان) ص ۷۶.
۲۱. کلمات فردوسی، ورق دوم (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، آلمان) ص ۳۴.
۲۲. منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله شماره ۱۳۱ ص ۱۸۳.
۲۳. مأخذ بالا، شماره ۱۱۲ ص ۱۴۲.
۲۴. مأخذ بالا، شماره ۱۳۲ ص ۱۸۴.
۲۵. مأخذ بالا، شماره ۱۱۱ ص ۱۴۱.
۲۶. لوح دنیا (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، آلمان، ۱۳۷ ب) ص ۵۰.
۲۷. کلمات فردوسی، ورق ششم (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، آلمان) ص ۳۶.
۲۸. حضرت بهاء‌الله، کتاب ظهور عدل الهی ص ۵۸.
۲۹. لوح بشارات، بشارت سیزدهم (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، آلمان) ص ۱۴.
۳۰. حضرت بهاء‌الله (مجموعه‌ی نصوص مبارکه در مقام زن، دائره‌ نصوص و الواح، جون ۱۹۸۷) شماره ۵۴.
۳۱. حضرت بهاء‌الله، کلمات مکنونه عربی شماره ۶۸.
۳۲. حضرت بهاء‌الله، (مجموعه‌ی نصوص مبارکه در مقام زن، دائره‌ نصوص و الواح، جون ۱۹۸۷) شماره ۳.
۳۳. حضرت بهاء‌الله، پیام آسمانی جلد ۱، ص ۹۸.
۳۴. منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله شماره ۱۵۶ ص ۲۱۴.
۳۵. حضرت بهاء‌الله، لوح ابن ذئب (چاپ آلمان) ص ۲۰.
۳۶. مأخذ بالا، ص ۲۰.